



شماره دوازدهم | مرداد ۱۴۰۰

ماهنامه خط بهشتی



# خط بهشت



ویژه

بررسی ویژه انتخاب شهردار منتخب

## برای مسی نشد،

## اما برای آقای شهردار چرا!!

آنچه از دریچه حقوق می خوانید:

- معضلی به نام اسناد الکترونیکی
- مهریه یا خون جگر؟
- سهم خواهی در انتخاب وزرا، قانون چه می گوید؟
- نگاهی از منظر حقوقی و زیانشناسی به تحلیف و تنفیذ ریاست جمهوری

آنچه از دریچه سیاست و اجتماع می خوانید:

- صیانت غیر علنی از حقوق کاربران فضای مجازی
- مرثیه ای برای کیمیا، محجبه قهرمان یا پناهجوی بی هویت
- نقد پذیری و آزادی بیان در دولت تدبیر و امید
- دروغ و وزیر
- مدالی از جنس خون
- خط بهشتی، ستونی برای شنیدن صدای بی صدایان



# فهرست

- ◆ ۱ خط بهشتی ، نشریه ای برای همه .....
- ◆ ۳ برای لیونل مسی نشد اما برای زاکانی شد .....
- ◆ ۶ سیانت غیر علنی از کاربران فضای مجازی .....
- ◆ ۸ مرثیه ای برای کیمیا ، محجبه قهرمان یا پناهجوی بی هویت ..
- ◆ ۱۰ نقد پذیری در دولت روحانی .....
- ◆ ۱۱ دروغ و وزیر .....
- ◆ ۱۲ مدالی از جنس خون .....
- ◆ ۱۴ ستونی برای شنیدن صدای بی صدایان .....
- ◆ ۱۵ هفت تپه پس از صدور حکم خلع ید .....
- ◆ ۱۹ معضلی به نام اسناد الکترونیک .....
- ◆ ۲۲ مهریه یا خون جگر .....
- ◆ ۲۳ سهم خواهی در انتخاب وزرا .....
- ◆ ۲۵ تحلیف رییس جمهور حتی با وجود رای مردم .....

## ماهنامه خط بهشتی شماره دوازدهم | مرداد ۱۴۰۰



بسیج دانشجویی دانشگاه علوم قضایی  
و خدمات اداری دادگستری

جواد زمانی نسب

حامد رسولخانی

مرتضی بابایی فر  
محمد پارسا بامری  
علی بیات

حسین درودی  
علی سواری  
ساوالان محمد زاده  
حامد محیطی  
آرش وثاقتی جلال

ابوالفضل آقایی

سجاد خلوصی

صاحب امتیاز :



مدیر مسئول :



سر دبیر :



اعضای تحریریه :  
(به ترتیب حروف الفبا)



ویراستار :



طراح و گرافیکست :





ما در زیر بار سختی ها و مشکلات و دشواری  
ها قد خم نمی کنیم.  
ما راست قامتان جاودانه خواهیم ماند.  
تنها موقعی سرپا نیستیم که یا کشته شویم ،  
و یا زخم بخوریم و به خاک بیفتیم .  
و الا هیچ قدرتی پشت ما را نمی تواند  
خم کند .

شیرازی در کتب  
نصیحت

خط





حامد رسولخانی  
سردبیر ماهنامه خط بهشتی

# خط بهشتی، نشریه ای برای همه

آسمان بار امانت نتوانست کشید...

به هر حال نوبت به خدمت کردن بنده در خط بهشتی رسید. در ابتدای کلام باید از صادق بشیره تشکر کنم. بشیره از روز اول بدون هیچ چشم‌داشتی نشریه را به خوبی اداره کرد و امروز به ما واگذار کرده‌است. نشریه ای که مدت مدیدی جزء نویسندگان آن بودم و از نزدیک شاهد زحمات صادق بشیره و سایر دوستانم در نشریه بودم و همین باعث می‌شود تا باری سنگین بر دوش احساس کنم. از یک جهت حفظ کیفیت نشریه ای که از آن انتظاری به جا به وجود آمده‌است و از جهت دیگر تلاش برای تحول و توسعه نشریه. در کسوت عضو هیئت تحریریه، چند صباحی دست به قلم بودم و از امروز باید به عنوان سردبیر خط بهشتی انجام وظیفه کنم. تک تک نویسندگان نشریه و اعضای هیئت تحریریه به خط بهشتی عشق دارند و به آن وابسته شده‌اند و از نظر من هر کدام از آنها توانایی و قابلیت این را که سردبیر باشند، دارند. به خودم افتخار می‌کنم که عضو این مجموعه فعال و پویا هستم. بحمدالله تا به امروز، همه خدمتگزار نشریه بوده ایم و از این پس نیز خواهیم بود؛ اما نکاتی را باید در ابتدای کار به رسم آغاز بیان کنم؛ اولین وظیفه ما در نشریه، حفظ نویسندگان خوش قریحه و در ادامه اضافه کردن نویسندگان با ذوق دیگر، چه از داخل و چه از بیرون دانشگاه علوم قضایی، به مجموعه نشریه خط بهشتی است. از موجبات خوشحالی بنده به عنوان سردبیر، حضور نویسندگان توانمند در مجموعه است که اطمینان دارم همچون گذشته با قلم خود به اعتلای نشریه کمک خواهند کرد. ما سعی خواهیم کرد شناسنامه و سازمان نشریه را حفظ و توسعه دهیم که البته با وجود مسئله کرونا و عدم حضوری بودن دانشگاه‌ها، کار تا اندازه‌ای مشکل به نظر می‌رسد. با وجود این، با شناختی که از اعضای مجموعه و نویسندگان دارم مطمئن هستم در این باره همچون گذشته مشکلی نخواهیم داشت.

ظرفیت دانشجویان دانشگاه‌های دیگر و اساتید نیز در نشریه بهره ببریم. بحمدالله نشریه خط بهشتی تبدیل به نشریه ای پربازید و بعضاً چالش برانگیز شده است که این خود عاملی است تا نویسندگان تمایل داشته باشند در نشریه قلم بزنند. تضمین می‌دهم همچون گذشته پذیرای همه سلاقی سیاسی و ... در نشریه باشیم و از این بابت محدودیتی وجود نداشته باشد.

در بحث نویسندگی، نیت قریب به اتفاق نویسندگان اصلاح و بهبود مسائل کشور عزیزمان است و اگر انتقادی در نشریه صورت می‌پذیرد به جز هدف خیر و صلاح ایران و اسلام، هدف دیگری وجود ندارد. لذا در امر ژورنالیستی و اداره امور نشریه، به جز اسلام و انقلاب خود را وام‌دار هیچ شخص و جناحی نمی‌دانیم و این را حق خود می‌دانیم که مطابق با اصول متعدد قانون اساسی و قوانین مختلف، از عملکرد دستگاه‌ها و نهادهای مختلف انتقاد کنیم و پیشنهاد دهیم. به هیچ عنوان در هیچ مطلبی از تمام شماره‌های قبل به دنبال تملق و بزرگ کردن شخصی نبوده ایم و زین پس نیز رویه ما همین است. سعی خواهیم کرد روحیه مطالبه‌گری نشریه را حفظ و ارتقا دهیم و حتماً در نشریه خود مطالبه حقوق به حق ملت را در دستور کار داشته باشیم. دانشجوی، بسیج و نشریات به روحیه مطالبه‌گری خود زنده هستند. مطالبه‌گر بودن نشریه، هدف و آرمان ما است. از نظر ما رسانه نباید خنثی و بی‌سو باشد. قطعاً اهل سیاه‌نمایی و بزرگ‌نمایی نیستیم و صحبت ما کاملاً متفاوت از بی‌بی‌سی و من و تو و سایرین است و رسالت خود می‌دانیم که جز حق و حقیقت، مطلبی به کاغذ نیاوریم. از گذشته تا به امروز سعی کرده‌ایم به مطالب روز و دغدغه حال کشور پردازیم و از پراکنده‌گویی فاصله بگیریم. زین پس هم علاوه بر این سعی خواهیم کرد با دیدی بدون تعصب، به بیان حقایق پردازیم. امیدوارم همه سلاقی و همه گروه‌ها تحمل سخن حق را داشته باشند و خود ایشان ما را همراهی کنند. خط قرمز ما تنها اسلام و انقلاب است و از نظر ما همه مسئولین و مردم

موظف اند در راستای حفظ انقلاب و پیشرفت کشور قدم بردارند.

با توجه به اینکه ما در حقوقی‌ترین دانشگاه کشور مشغول هستیم، سعی خواهیم کرد از ظرفیت متخصصین حقوقی در نشریه بهره ببریم و از همه متخصصان در زمینه‌های مختلف حقوق دعوت می‌کنیم تا با مجموعه ما همکاری داشته باشند که قطعاً حضور ایشان باعث خوشحالی ما خواهد شد. علاوه بر ظرفیت دانشجویان کارشناسی، از ظرفیت دانشجویان دوره‌های تحصیلات تکمیلی نیز بهره خواهیم برد. از دانشجویان سایر دانشگاه‌ها نیز دعوت می‌کنم در رشد نشریه خط بهشتی همکاری داشته باشند؛ چرا که خط بهشتی فراتر از نام یک دانشگاه و یا یک جریان است و در این نشریه ما وظیفه خود می‌دانیم مانند بهشتی بدون واهمه، عاری از هرگونه منفعت‌طلبی به دنبال حق و حقیقت باشیم که این وظیفه مقید به دانشگاه و جبهه خاصی نیست. نشریه خط بهشتی با مدد از نام و یاد شهید بهشتی سنگری عدالت خواه و حق طلب در جهان بی کران رسانه ای کشور خواهد بود.

در پایان از دوستانی که صلاح دیدند که این وظیفه به بنده سپرده شود، تشکر می‌کنم. به طور ویژه از صادق بشیره ممنونم؛ چرا که می‌دانم و از نزدیک در جریان بوده‌ام که چه زحماتی برای پا گرفتن این طفل نو پا کشیده است. حتی همین حالا نیز ایشان رابطه خود را با نشریه قطع نکرده‌است و خط بهشتی را جزئی لاینفک از زندگی خود می‌داند. از آقای زمانی نسب مسئول بسیج نیز قدر دانم که به ما قوت قلب دادند تا در قلم زدن خود هیچ واهمه‌ای از هیچ مسئله‌ای نداشته باشیم و بدین ترتیب حمایت خود را از همه نویسندگان نشریه اعلام داشتند. از خداوند مسئلت دارم تا در این راه خطیر حامی و یاری‌گر ما باشد. به تمام اعضای هیئت تحریریه نویسندگان و خوانندگان نشریه خط بهشتی قول می‌دهم تمام تلاش و اهتمام خود را به کار ببرم تا نشریه ای در خور دانشجویان دانشگاه علوم قضایی و همه خوانندگان داشته باشیم.

در خط بهشتی سعی خواهیم کرد از پتانسیل همه دانشجویان و نویسندگان در هر مقطع تحصیلی استفاده کنیم و بر آنیم تا از





# دریچه سیاسی - اجتماعی



وجود داشت، قسم دیگری از اقسام همان قانونی که در اسپانیا به مسی اجازه تمدید قرارداد را نداد و او را روانه باشگاه دیگری کرد، آقای زاکانی را از تعاریف و شرایط شهردار، فرسنگ ها دورتر می‌دید و او را مجاز به تصدی این پست، نمی‌دانست.

این جا همان نقطه‌ای است که شورای شهر تهران با تمام صلاحیت‌هایی که دکتر زاکانی داشت و علی‌رغم ایرادات قانونی تصمیم به شهردار شدن او می‌گیرد. همه ما می‌دانیم که در موضوع انتخاب شهردار، قانون اختیاراتی را به شورای شهر داده است، اما به جهت حفظ اعتدال

و ایجاد یک رویه مشخص، وزارت کشور در شهرهای بزرگ و استانداری در شهرهای کوچک، باید بر این انتخاب نظارت بکند و آن را با معیارهای قانونی مقایسه کند و به همراه تایید یا رد کردن این انتخاب دلایل خود را ابراز کند.

به همین دلیل بود که مطابق ماده ۷۲ قانون «تشکیلات، وظایف و انتخاب شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران» مصوب ۱۳۷۵، از هیأت وزیران خواسته شد برای آنکه انتخاب شهرداران، به سمت شایسته‌گزینی پیش‌برود و نیز مجالی برای اعمال نظرهای شخصی به وجود نیاید آیین‌نامه‌ای را تصویب کنند. هیأت وزیران با در نظر گرفتن دو فاکتور «تجربه اجرایی» و «مدرک مرتبط»، معیارهایی برای شهردار تعیین نمود. به موجب بند چ ماده ۳ آیین‌نامه اجرایی تصویب مزبور، شهرداران باید حداقل مدرک کارشناسی مرتبط را دارا باشند و در شهرهای بزرگ با جمعیت بیش از یک میلیون نفر، بایستی از میان مدیران ارشد با ۹ سال سابقه کاری مرتبط انتخاب شوند.

در ادامه این آیین‌نامه به جهت تبیین هرچه بهتر مدیران ارشد؛ موضوع به «دستورالعمل نحوه انتخاب و انتصاب مدیران حرفه‌ای» (مصوب شورای عالی اداری) ارجاع داده شده است که در دستورالعمل مذکور، صراحتاً سمت‌های مذکور در ماده ۷۱ قانون مدیریت خدمات کشوری، از جمله نماینده مجلس، به عنوان مدیر سیاسی از شقوق مختلف مدیریت حرفه‌ای از جمله مدیر ارشد مستثنی شده است، بنابراین سوابق افراد تحت عنوان نمایندگی مجلس نمی‌تواند جزو سوابق مدیریت ارشد محاسبه شود. پس تا به اینجا شرط ۹ سال سابقه مدیریت ارشد درباره زاکانی منتفی است. از این رو ایشان یکی از شروط قید شده در بند چ ماده ۳ آیین‌نامه اجرایی را ندارد.

حال به بررسی شرط دیگر که مدرک مرتبط می‌باشد؛ بردازیم. در این خصوص نیز، آیین‌نامه مصوب هیئت دولت، موضوع را به وزیر کشور محول کرده است. پس به بررسی



## برای لیونل مسی نشد ولی برای زاکانی شد. گویا مشکل قانون است...



سید حمیدرضا حسینی

دانشجوی کارشناسی دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری

در همین روزهایی که مسی اعلام کرد به دلایل مالی نمی‌تواند آینده فوتبالی‌اش را با بارسلونا ادامه دهد، رسانه‌ها خبر از شهردار شدن آقای زاکانی دادند. اقتران زمانی این دو رفتن و آمدن درست است که در ظاهر چندان وجه اشتراکی ندارند ولی هر دو به یک سبب وابسته‌اند؛ قانون. اما چرا و چگونه؟ لیونل مسی برای شهر کاتالونیا، بارسلونا و همه طرفداران فوتبال در جهان بازیکنی ارزشمند و اسطوره‌ای خاص شناخته می‌شود و این انتظار وجود داشت تا خداحافظی او از فوتبال در پیراهن بارسلونا باشد. اما علاقه و دلدادگی مسی و بارسلونا در برابر قانون تاب مقاومت نداشت. کاپیتان بارسلونا رفت چون قانون به او و باشگاه اجازه تمدید قرارداد نداده است. قانون سی‌وی‌سی و فرپلی مالی پیش روی مدیران باشگاه بارسلونا بود و همین دستان آنان را برای پرداخت دستمزد بیشتر به مسی می‌بست. بسیاری انتظار داشتند چون او مسی است و یکی از بهترین‌های تاریخ لالیگا و حتی تاریخ فوتبال، می‌تواند برایش استثنا قائل شد. سازمان لیگ اسپانیا و مسئولین لالیگا اما یک وجب هم از مُر قانون خود کوتاه نیامدند و اعلام کردند قانون برای همه یکسان است و همه در پیشگاه قانون برابر اند. این جاست که سینه مالامال درد ما ایرانیان، دگر بار فشرده می‌شود و آهی از نهادمان بر می‌خیزد.

شورای جدید شهر تهران، به محض روی کار آمدن به این تصمیم رسید که آقای زاکانی بهترین فرد و برنامه او بهترین برنامه است. البته دکتر زاکانی هم چندان بی‌رغبت به تکیه‌زدن بر کرسی شهرداری تهران نبود. اما در این جا یک مانع بزرگ

همچنین رهبری در سخنرانی خود در سوم شهریور سال ۱۳۷۲ می‌فرمایند که تعهد و تخصص در کنار یکدیگر باشد همچنین ایشان در سخنرانی خود در ششم خرداد ماه سال ۱۴۰۰ نمایندگان را از طمع پست و مقام‌خواهی و نگاه ابزاری به جایگاه نمایندگی مجلس بر حذر داشتند. در جلسه دیدار با اعضای شورای شهر تهران، در اسفند ماه سال ۱۳۸۱، ایشان متذکر شدند که لازم است با استفاده از نظریات کارشناسان و متخصصان و حل منطقی و تدریجی مشکلات موجود، تهران را به الگویی عملی از مدیریت و اداره یک شهر بزرگ تبدیل کرد.

نکته قابل توجه اینجا است؛ شورای شهری که مدعی ولایت مداری است به جای توجه به سخنان ولی امر خود و التفات بیش از پیش به قانون، قصد تغییر آن را دارد آنچنان که شخص مدنظرشان بتواند متصدی شهرداری تهران شود اگر چه تخصصی هم نداشته باشد. حتی اعضای شورای شهر صراحتاً در مقابل دیدگان اصحاب رسانه، به قانون‌گریزی خود اذعان دارند و دم از تغییر آیین‌نامه و قانون می‌زنند. در این میان، افرادی در پی سخنانی مضحک درباره تغییر قانون می‌گویند: «بله، تغییر قانون برای فردی خاص». این همان فرق ایران و اسپانیا است. به عنوان راهکاری برای حل این مشکل، پرویز سروری، نایب رئیس شورای شهر ششم، می‌گوید: «بعد از رای دادن به شهردار به دنبال تغییر قانون هستیم». زمانی که در برنامه تلویزیونی تهران ۲۰، مجری درباره تحصیلات غیر مرتبط شهردار منتخب پرسید، او برگی دیگر از هنرهای شورای شهر تهران را رو کرد و در پاسخ به مجری اعلام کرد می‌خواهند از معادل سازی ۱۲ سال نمایندگی مجلس زاکانی برای حل شرط ۹ سال سابقه اجرایی وی استفاده کنند. این همان مرگ قانون است. به قول جورج اورل همه در برابر قانون برابر اند اما برخی برابرتر اند.

اما از سخنان عجیب او این نیز خواندنی است که آقای نایب رئیس شورا می‌گوید: «اینکه پزشکی هسته‌ای جزء رشته‌های مورد قبول برای تصدی شهرداری تهران نیست، اشتباه وزارت کشور است». زمانی که دلاوری، مجری برنامه تهران ۲۰، پرسید آیا پزشکی هسته‌ای مرتبط با مدیریت شهری است، چنین پاسخ داد: «سلامت از مسائل مهم شهر است و از این رو این مدرک مرتبط است. چون یکی از نیازهای جامعه مسئله سلامت است و پزشکی، مرتبط با مدیریت شهری است که فراموش شده».

تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل...  
آیا کسی از دوستان یا مشاوران آقای نایب رئیس نبود که به ایشان بگویند همه مشاغل برای جامعه ضروری هستند؟  
همه مشاغل حداقل نیاز بخشی از جامعه را برطرف می‌کنند و وجود آن‌ها بی دلیل و فایده نیست. اما آیا همه افراد با هر تخصصی صالح برای تصدی منصب شهرداری هستند؟

بخشنامه وزیر کشور می‌پردازیم. هرچند این بخشنامه تاکنون از طریق کانال رسمی وزارت کشور منتشر نشده است اما با توجه به اعلام اینستاگرامی سخنگوی وزیر کشور، این بخشنامه اعلام و ابلاغ شده و مدرک تحصیلی شهردار منتخب، با فهرست مشاغل مرتبط هیچ قرابتی ندارد.

طبق «بخشنامه تعیین مدارک و رشته‌های تحصیلی موضوع تبصره ۱ ماده ۳ آیین‌نامه اجرایی شرایط احراز تصدی شهردار مصوب ۱۳۹۷/۹/۲۵ هیئت وزیران»، رشته‌های عمران، سازه، راه و ترابری، حمل و نقل، مدیریت ساخت، محیط زیست، ساختمان‌های هوشمند، شهرسازی، ساخت و تولید، نقشه‌برداری، طراحی محیط زیست از گروه فنی و مهندسی و رشته‌های فضای سبز، بهداشت محیط، علوم و مهندسی محیط زیست، ارزیابی و آمایش سرزمین و آلودگی‌های محیط زیست از گروه علوم تجربی تعیین شده‌اند.

همچنین رشته‌های مدیریت مالی، بازرگانی، دولتی، طراحی سازمان‌های دولتی، بودجه و مالیه عمومی، خط و مشی گذاری عمومی، مدیریت پیشرفته و توسعه شهری و روستایی، مدیریت سازمان‌های دولتی، مالی و اقتصادی، برنامه‌ریزی و نظارت، برنامه‌ریزی محیط زیست، مدیریت محیط زیست، مدیریت بحران، مدیریت شهری، جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، آمایش شهری، محیط زیست شهری، برنامه‌ریزی مسکن و باز آفرینی شهری، کاربری اراضی و ممیزی املاک، برنامه‌ریزی آمایش سرزمین، علوم اقتصادی، توسعه اقتصادی و برنامه‌ریزی اقتصاد شهری، جامعه‌شناسی، برنامه‌ریزی اجتماعی، مدیریت خدمات اجتماعی، برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای، توسعه محلی (شهری)، حقوق عمومی، حقوق محیط زیست، حقوق اقتصادی، حقوق ثبت اسناد و املاک، حقوق حمل و نقل، مدیریت نظارت و بازرسی، حقوق مالی، اقتصادی، مدیریت ثبت اسناد و املاک، علوم سیاسی، حسابداری، حسابداری شهری، برنامه ریزی منطقه‌ای، طراحی شهری، معماری (مسکن، پایداری و فناوری) و معماری مناظر از گروه هنر برای احراز مدرک تحصیلی سمت شهردار تعیین شده‌اند.

این یک رویه پسندیده است که وزارت کشور به دنبال شایسته‌گزینی و انتخاب متخصصان به عنوان شهردار است. هنوز نویسندگان و جمع کثیری از مردم و دغدغه‌مندان این عرصه، ارتباط پزشکی هسته‌ای و شهرداری را متوجه نشده‌اند؛ اما قطعاً برادر شهید چمران، ارتباط این دو امر ناهمگون را بهتر از ما می‌داند!!! شاید هم به سخن برادر شهیدش عمل کرده که فرموده اند: «می‌گویند تقوا از تخصص لازم‌تر است، آن را می‌پذیرم. اما می‌گویم آن کس که تخصص ندارد و کاری را می‌پذیرد، بی تقواست».



از این مسائل گذشته، تکلیف شورای شهر تهران که روشن است. اینکه چنین دست به انتخاب می‌زنند و بعد با صراحت و لبخندی ملیح بر لب از تغییر قانون متناسب با منافعشان سخن می‌گویند و مصر بر رویه نادرستشان هستند، سخنی میان ما و آنان نیست ولی دکتر زاکانی چطور؟

در اینکه دکتر زاکانی از نیروهای جهادی و انقلابی و فسادستیز این مرز و بوم بوده‌است، شکی نیست و از این رو باعث دلگرمی جبهه انقلاب است که فردی چنین صریح‌الکلام و عملگرا را همراه خود دارد. اما سوالی که مطرح می‌شود در این باره است که آیا بهتر نبود با این حجم از استدلال‌ها و دلایل منطقی و با وجود نص صریح قانون، جناب دکتر زاکانی در همان مسئولیت خطیر خویش باقی می‌ماندند و خدمت می‌کردند؟

آیا بهتر نبود که چنین هزینه‌زایی و بهانه‌تراشی‌ها اتفاق نمی‌افتاد تا دیگران مجال زخم‌زبان‌زدن و تخریب ایشان و جبهه انقلاب را نیابند؟ آیا بهتر نبود که دکتر به سخنان و توصیه‌های مقام معظم رهبری همچون گذشته، توجه می‌کردند؟

آیا دکتر زاکانی خود نمی‌دانستند در زمینه‌ای که تخصص و مهارت و تجربه لازم را ندارند نباید ورود کرده و مسئولیت بپذیرند؟ پاسخ قانع‌کننده‌ای به این شبهان از ایشان و دفتر او تا به حال داده نشده‌است و همین قضیه سبب شده تا نگاه‌ها نسبت به وی، سوئه منفی بگیرد و اندکی در خصایص مثبت شخصیتی ایشان شک و تردید به وجود آید.

علاوه بر موارد فوق، این انتظار در سطح جامعه و آنان که به رئیس جمهور جدید باور دارند، وجود داشت تا ایشان در این خصوص واکنش نشان دهند. سکوت آیت الله رئیسی در این باره برای مردم ابهام‌برانگیز نموده‌است. سکوت مدافع عدالت، شبهه انداز است. شبهه‌ای به بزرگی سکوت در برابر سهم خواهی!

به هر حال شهردار شدن دکتر زاکانی قطعی می‌نماید ولی ذبح کردن قانون برای منافع اشخاص و احزاب، مرگ آرمان‌ها است. قانون زمانی قانون است که همه در برابرش یکسان باشند.

آقای سروری همچنین در همین برنامه تلویزیونی اعلام کرد که در مذاکره با مجلس و دولت در تلاش هستند مدرک پزشکی هسته‌ای را هم جزء رشته‌های مرتبط با مدیریت شهری قرار دهند تا مشکل قانونی شهردار شدن منتخب جدید شورا بر طرف گردد.

در جلسه استعفای دکتر زاکانی در مجلس، آقای بیاتی نماینده شهر آشتیان بیان داشت: «بنده در دوره چهارم رئیس شورای شهر قم بودم لذا از نزدیک می‌دانم که انتخاب شهردار و به کارگیری آن چه ظرافت‌هایی دارد و به تجربه ثابت شده است که اگر شهردار تجربه کار اجرایی نداشته‌باشد، موفق نخواهد بود چرا که اداره شهرداری تخصص می‌خواهد و کسی که قرار است این مسئولیت مهم را بر عهده بگیرد، باید تجربه کافی در مدیریت شهری داشته‌باشد که آقای زاکانی ندارد. مردم امروز توان آزمون و خطا نداشته از این رو شهردار باید فردی انقلابی، با روحیه جهادی و متخصص باشد.»

این نماینده مجلس در ادامه می‌گوید: «آقای زاکانی می‌گویند برای مبارزه با فساد در شهرداری حضور پیدا می‌کنند اما بنده معتقدم اگر قرار است مبارزه‌ای با فساد صورت بگیرد در جایگاه نمایندگی، قانون‌گذاری و مرکز پژوهش‌ها بهتر می‌تواند این وظیفه را در سطح کشوری پیگیری کند، اگر در شهرداری مشکلی وجود داشته‌باشد کسی می‌تواند با آن مبارزه کند که تخصص کافی داشته‌باشد.»

از نظر آقای بیاتی اگر دکتر زاکانی به امید کارشناسان و مشاوران به شهرداری می‌رود کار بسیار اشتباهی است. از نظر او کارشناس به هیچ عنوان نمی‌تواند اطلاعات کامل و جامع را به شهردار بدهد؛ از این رو شهردار حتما باید خودش تخصص و تجربه کافی داشته‌باشد.

سازمان بازرسی نیز به صورت سربسته با این انتخاب مخالف است. به نظر می‌رسد ضمانت اجرای قانون در مسئله انتخاب شهردار، رای و نظر دیوان عدالت اداری است. در صورتی که امری خلاف قانون از سوی سازمان‌های عمومی و حکومتی همچون شورای شهر سر بزنند، موضوع در هیات عمومی دیوان عدالت اداری قابل طرح و بررسی است. در صورتی که دیوان عمل خلاف قانون را احراز کند، حکم به اجرای قانون خواهد داد.



خواهند کرد.

پیش‌نویسی از این طرح منتشر شده که در اختیار همه کاربران فضای مجازی است. پیش‌نویسی که ساعت‌ها لایو و برنامه اینترنتی به آن اختصاص یافته است تا مقدمات تفسیر آن را فراهم کند. هرچند پسندیده‌تر بود که برای وحدت تصمیمات و تفاسیر، صدا و سیما برنامه‌ای چند ساعته و چند قسمتی را برای تفسیر این متن طرح‌ریزی می‌کرد و طراحان این پیش‌نویس نیز، صرفاً در یک‌بستر اقدام به پاسخگویی نسبت به ابهامات می‌کردند؛ اما تا به اینجا، موضع صدا و سیما تاکید نسبت به

مضرات فضای مجازی بوده‌است تا زمینه جایگزینی گزینه‌های داخلی را فراهم کند.

بسیاری از فعالان فضای مجازی و صاحب‌نظران رسانه‌ای، نسبت به اجرای این طرح، اعتراض کرده و آن را نقض حقوق آحاد جمعیت کشور خوانده‌اند. حتی وزیر سابق ارتباطات، محمد جواد آذری جهرمی هم نظر مثبتی به طرح فوق ندارد و توصیه به عدم اجرای آن می‌کند. از جمله موارد حایز اهمیت که بایستی در بررسی طرح صیانت بدان اشاره کرد خدمات پایه کاربردی است. با توجه به پیش‌نویس نهایی طرح مذکور، خدمات پایه کاربردی اینطور تعریف شده‌است: «به خدماتی اطلاق می‌شود که به بخش غیرقابل اجتناب از فضای مجازی و شبکه ملی اطلاعات تبدیل شده و دارای جنبه راهبردی یا مخاطب داخلی بالایی هستند.»

### عرضه و فعالیت خدمات پایه کاربردی منوط به رعایت

#### قوانین کشور و دو شرط ذیل است؛

- ثبت در درگاه خدمات پایه کاربردی.
- اخذ مجوز فعالیت خدمات اثرگذار پایه کاربردی داخلی و خارجی

لذا ارائه دهندگان بسیاری از خدمات پایه کاربردی، باید نسبت به ثبت در درگاه و اخذ مجوزهای کمیسیون عالی تنظیم مقررات اقدام کنند و برای تحقق این اتفاق، باید نماینده قانونی خود را به مثابه یک کنسول در کشور ایران قرار دهند که مرجع رسیدگی به مشکلات مربوطه و پشتیبانی احتمالی باشد و البته تعهدات لازم را که در این قانون آمده‌است، رعایت کنند. تعهداتی که بالغ بر ۱۴ بند است و از نظر ضمانت اجرا، برای شرکت‌های خارجی، الزامات ثقیلی محسوب می‌شوند. چنین اتفاقی ابتدا در کشورهای دیگر محقق شد. کشورهایی که برای ادامه فعالیت شرکت‌هایی همچون فیس بوک و گوگل، وجود مجوزهای داخلی را ضروری تلقی کردند.



## صیانت غیر علنی از حقوق کاربران فضای مجازی



محمد پارسا بامری

دانشجوی کارشناسی دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری

چند صبحی از پرحاشیه‌ترین مصوبه مجلس شورای اسلامی می‌گذرد. در صحن غیرعلنی مجلس، نمایندگان ملت، بر اساس اصل ۸۵ قانون اساسی، ضرورت «طرح حمایت از حقوق کاربران و خدمات پایه کاربردی فضای مجازی» را با ۱۲۱ رای موافق، تایید و اختیار وضع قانون را به کمیسیون تخصصی تفویض کردند. طبق اصل ۸۵ قانون اساسی، مجلس می‌تواند اختیار تقنین را به کمیسیون‌های داخلی خود تفویض کند که در این صورت، طرح در کمیسیون تخصصی بررسی می‌شود و مصوبه آن در صحن علنی بررسی نخواهد شد. سپس مصوبه کمیسیون به شورای نگهبان ارسال می‌شود که با تشخیص شورا مبنی بر عدم مغایرت مصوبه با شرع و قانون اساسی، بصورت آزمایشی اجرا خواهد شد.

در بطن حواشی ایجاد شده برای طرح صیانت، ادعای مرکز پژوهش‌های مجلس با اخبار واصله از جلسه غیرعلنی مجلس، مغایرت دارد. با توجه به پاسخ مرکز پژوهش‌های مجلس، طرحی با عنوان «صیانت از حقوق کاربران» به تصویب نرسیده، بلکه صرفاً نحوه بررسی طرح به تصویب رسیده است. لذا طرح مذکور برای بررسی به کمیسیون‌های تخصصی ارسال می‌شود و پس از چند ماه بررسی، نتایج منتشر خواهد شد و تمامی تصمیمات به صحن علنی مجلس ارجاع داده می‌شوند که در صورت موافقت نمایندگان در صحن علنی مجلس، مهلت آزمایشی بودن مصوبه را مشخص و به شورای نگهبان ارسال

تصمیم‌گیری سلیقه‌ای در کمیسیون اجتناب‌ناپذیر است. طبق پیش نویس طرح، تشخیص امکان جایگزینی با کمیسیون عالی تنظیم مقررات است. با تجربه سالیان اخیر که پیام‌رسان‌های ایتا و سروش و... جایگزین پیام‌رسان تلگرام اعلام شدند، بعید نیست که نسخه‌های ضعیف داخلی، با تشخیص کمیسیون، جایگزین اینستاگرام و گوگل و واتساپ بشوند.

عباس مرادی، یکی از نویسندگان این طرح که در روزهای اخیر به شهرت خاصی رسیده‌است، در برنامه‌هایش از اینستاگرام پلاس داخلی سخن گفته و معتقد است که اینستاگرام و سایر خدمات کاربردی موثر بدون مجوز، به هیچ عنوان فیلتر نخواهد شد. چرا که جایگزین و مشابه داخلی ندارند. اما عدم مسدودسازی، به معنای عدم محدودیت نیست. بلکه محدودیت پهنای باند و ترافیک برای این خدمات وضع خواهد شد. پس استفاده از آنها با دشواری‌هایی روبه‌رو است. در مورد محدودسازی این سامانه‌ها، انتقاداتی وارد شده‌است؛ مانند: عدم توجه به نیاز ارتباطات بین‌الملل، احتمال کاهش تعامل مردم کشور با دنیا، عدم توجه به فلسفه و مبنای وجودی رسانه، احتمال وضع مالیات برای فعالان در حوزه خدمات پایه کاربردی خارجی، عدم پاسخگویی کمیسیون به نهاد های مختلف حتی شورای عالی فضای مجازی و ...

اما تکلیف شاغلان در بستر فضای مجازی چه خواهد شد؟ ظاهراً مدت‌های ۴ ماهه و ۸ ماهه در این طرح، فرصتی برای کوچ کردن فعالان فضای مجازی به بسترهای داخلی نیز محسوب می‌شود. از طرفی، تسهیلاتی برای فعالان در حوزه‌های داخلی در نظر گرفته می‌شود. مانند کاهش مالیات تبلیغات. طبق آمار، بیش از ۵۰/۰۰۰ کسب و کار آنلاین در کشور وجود دارد. صدها هزار نفر از طریق این کسب و کارها، امرار معاش می‌کنند. آیا بسترهای داخلی که قرار است جایگزین مناسبی برای خدمات پایه کاربردی اثرگذار باشند، امکان پشتیبانی از این حجم فعالیت‌های اینترنتی را دارند؟ آیا پیش‌زمینه و مقدمات کافی برای بستر این خدمات فراهم شده‌است؟ چه تضمین و تعهدی برای جلوگیری از کاهش درآمد مشاغل اینترنتی اتخاذ می‌شود؟

نمایندگان ملت که با شعار شفاف‌سازی آراء به مجلس راه یافته‌اند، طرحی برای تامین آب استان‌های کم‌آب کشور و مبارزه با خشکسالی ارائه‌نداده، تلفات چندصد نفری کرونا را فراموش کرده و برای صیانت از حقوق کاربران، جلسه غیرعلنی برگزار می‌کنند و ۱۲۱ رای موافق می‌دهند. علاوه بر اینها نمایندگان موافق طرح صیانت، پاسخگوی سوالات نبوده‌اند و حتی با شفافیت، نظر خود را اعلام نمی‌کنند. البته با حواشی که تصویب بودجه سال ۱۴۰۰ در مجلس داشت، دور از ذهن نیست که پیش نویس طرح صیانت را، اکثر نمایندگان، بطور دقیق مطالعه نکرده باشند. با نقل قول از سعیدی، نماینده چابهار، ۶ مرداد روز شکست مجلس بود.

فضای مجازی در سالیان اخیر، فرصت مناسبی برای مبارزه با فساد را فراهم کرده‌است. از انتشار ویدیوها و تصاویر، تا نوشته‌ها و اسناد، همه و همه به افزایش شفافیت مسائل کمک کرده‌اند. در بحران آب خوزستان و سیستان و بلوچستان، زلزله کرمانشاه، سیل های فروردین ۹۸، بی‌کفایتی و فساد برخی مسئولین، فضای مجازی

پس این شرکت‌ها را به داخل دعوت کردند و آنها نیز نسبت به اخذ مجوزها تفهیم شدند و نهایتاً این تعهدات را پذیرفتند. در برخی از کشورها هم ایده جایگزینی خدمات پایه کاربردی مطرح شد. مانند چین و روسیه که موتورهای جستجوی بومی خود را جایگزین گوگل کردند. اما در مورد ایران، با توجه به مشکلات کشور ایران در حوزه ارتباطات، تحریم‌های متعدد، معضلات بانکی و بیمه‌ای و درخواست‌های امنیتی از این شرکت‌ها، به احتمال فراوان ایشان حاضر به ادامه همکاری با جمهوری اسلامی ایران نخواهند بود.

طرح صیانت در این زمینه، از نظر اخذ تضمین‌های مناسب و متعهد کردن ارائه‌دهندگان خدمات پایه کاربردی، دارای مزیت است. چرا که بسیاری از قوانین کشور، در این خدمات پایه کاربردی، قابل اجرا خواهد شد. حفظ حریم شخصی، پرداخت‌های برخط و مطمئن، فعالیت‌های دولت الکترونیک، نظارت بر استفاده کودکان و نوجوانان، عدم فروش داده‌های کاربران، آگاهی بخشی نسبت به مخاطرات، تسهیلات استفاده از سامانه‌های داخلی و... از امتیازات این طرح هستند. اما کفه عیوب چنین طرحی بر مزایای آن، سنگینی می‌کند. اگرچه در این قانون مسدودسازی اولویت اول نمی‌باشد اما باید توجه داشت که مسدودسازی هم روش مقابله صحیحی با معضلات حوزه خدمات پایه کاربردی تاثیرگذار نیست.

با بازگشت به دهه هشتاد و جمع آوری آنتن‌های ماهواره و « طرح استفاده مدیریت شده از ماهواره های پخش مستقیم»، میتوان چنین استنباط کرد که این قبیل محدودسازی‌ها، هزینه‌های اجرایی زیادی را بر دولت تحمیل کرده‌است بنابراین نتیجه مطلوب را در بر نخواهند داشت. در مقطعی از دهه هشتاد، بیش از ۲۰۰/۰۰۰ آنتن ماهواره جمع‌آوری و معدوم شد و جریمه‌هایی از ۳۰۰/۰۰۰ تومان تا ۲/۰۰۰/۰۰۰ تومان وضع شد که نتایج مطلوب اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی نداشت.

برای خدمات پایه کاربردی خارجی، که اثرگذار به شمار می‌روند، مهلت ۴ ماهه‌ای برای انجام تعهدات مشخص شده است. با توجه به احتمال عدم امکان حضور شرکت‌های خارجی در ایران و قبول ضوابط کشور، مسدودسازی این خدمات صورت نمی‌گیرد. اما این عدم مسدودسازی، تا ایجاد سامانه مشابه داخلی، ادامه دارد. یعنی اگر خدمات پایه کاربردی داخلی به تشخیص کمیسیون، توان جایگزینی را داشتند، مسدودسازی صورت می‌گیرد. اما سخنی از شرایط عدم مسدودسازی خدمات پایه کاربردی غیرموثر خارجی، وارد نشده است. نکته قابل ایرادی که در این طرح وجود دارد، اختیارات گسترده کمیسیون مذکور است. از تعیین ضوابط تا تعلیق و لغو مجوز و رصد و نظارت و گزارش جرائم موضوع این قانون و... که موضوعی قابل انتقاد است. در کمیسویی که قریب به اکثر آن از نهادهای امنیتی و نظارتی تشکیل شده‌است و جای خالی کارشناسان تخصصی فضای مجازی و ارتباطات در آن احساس می‌شود، با چه معیارهایی نسبت به جایگزینی خدمات پایه کاربردی داخلی تصمیم‌گیری خواهد شد؟ با این توضیح،



ز طرفی، سکوت طولانی مدت سیدابراهیم رئیسی، رئیس جمهور منتخب هم نکته ای قابل توجه است. در روزهای اخیر، مخالفت اشخاصی همچون آیت الله جوادی آملی و برخی دیگر از علما و حتی ریاست قوه قضائیه را شاهد بودیم. اما ظاهراً درگیری های انتخاب کابینه دولت سیزدهم، فرصت بررسی طرح را به دولت آینده نداده است. لذا انتظار می رود پس از بررسی طرح، دولت سیزدهم که تعامل بین المللی را در نظر دارد، نسبت به طرح صیانت از حقوق کاربران فضای مجازی اعلام موضع کند.

بسیار کارآمدتر از دستگاه های نظارتی و اجرایی عمل کرد و وظیفه آگاهی بخشی را بر عهده گرفت. رسیدگی به پرونده مفاسد اقتصادی، مطالبات کارگران و اقشار مختلف و سایر جنبش ها را رهبری کرد تا احقاق حق را بدنبال آورد. هرچند که در قسمت هایی تضعیف فرهنگ را به ارمغان آورده است، تزلزل سیاسی را ایجاد کرد و حتی سبب ورود ضربات اقتصادی شد اما رفع این مشکلات، با مسدودسازی و یا محدودسازی اینترنت، محقق نمی شود.

عقب برگردیم تا موضوع روشن تر شود.

پس از المپیک ۲۰۱۶ ریو و کسب افتخار تاریخی توسط دختری محجبه به نام کیمیا علیزاده و نیز خلق رکوردی ماندگار و بی سابقه برای ورزش بانوان ایران، نگاه ها و توجه ها از سران دولتی و حکومتی تا سلبریتی ها و فعالان مدنی و حتی رسانه های مواج بگیر سعودی و جیره خواران ملکه بریتانیایی به دختر ۱۸ ساله ایرانی جلب شد. کسب اولین مدال بانوان ایران در المپیک آن هم توسط بانویی مسلمان و محجبه سبب شد تا سال ها کار رسانه ای و



## مرثیه ای برای کیمیا؛ محجبه قهرمان یا پناهجوی بی هویت

طومارنگاری و پروپاگانداي احزاب و تلویزیون های اپوزیسیون و حتی فمینیست ها و به اصطلاح مبارزان کارزار حجاب اجباری در ایران، بار دیگر خنثی شود. عکس ادعاهایی نظیر تحقیر زنان، پایمال شدن حقوق آن ها و عدم برابری فرصت های رشد و پیشرفت در عرصه های ورزشی برای جنس مونث در جمهوری اسلامی، یک بار دیگر مورد تردید و شک جدی از جانب مخاطبان این دست رسانه ها قرار گرفت.

معرفی و مطرح شدن قهرمانی ملی، الگوی ورزشی و حتی اجتماعی برای جوانان و نوجوانان ایرانی، به خودی خود اتفاق نادر و غریبی نبوده و نیست. غلامرضا تختی، علی دایی و حسن یزدانی و ده ها قهرمان دیگر گواهی بر این مدعی است. ولی ظهور و بروز قهرمانی تأثیرگذار از رسته بانوان مسلمان و محجبه ایرانی، به قدری برای حامیان نظریه زن از منظر فلسفه غربی، گران و حتی تهدیدآمیز بود که باید از جانب ایشان، سریعاً فکری به حالش می شد.



### آرش وثاقتی جلال

دانشجوی کارشناسی دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری

المپیک ۲۰۲۰ توکیو به پایان رسید و کاروان ورزشی ایران حضور پرفراز و نشیبی در این دوره از رقابت ها داشتند. اما در میان حوادث المپیک توکیو، سوم مرداد ماه سال جاری، روزی تلخ برای ورزش ایران بود. بانوی تکواندو کار تیم ملی ایران در حالی بر روی تاتامی رفت که حریفش برنده مدال برنز دوره گذشته المپیک و یک ایرانی الاصل دیگر بود. البته به کار بردن واژه ایرانی برای پناهنده آلمانی، براساس موازین حقوقی و قانونی چندان صحیح نیست ولی کیمیا علیزاده عرفاً هنوز هم یک ایرانی محسوب می شود. اگرچه ناهید کیانی، نماینده وزن ۵۷ کیلوگرم تکواندوی ایران، نتیجه را در میدان مسابقه به دوست و هم تیمی سابق خود واگذار کرد ولی آیا این مسابقه اساساً برنده ای هم داشت که بخواهیم از شکست سخن بگویم؟ بازنده واقعی این مسابقه چه کسی بود؟ کیمیا، کیانی یا کس دیگری؟ برای کالبدشکافی این رخداد لازم است قدری به

کیمیا علیزاده با حفظ حجاب اسلامی در مسابقات قهرمانی جهان در سال ۲۰۱۵، موفق به کسب مدال برنز جهان شد. در همان سال در مسابقات جایزه بزرگ مسکو به مدال طلا رسید و در المپیک ۲۰۱۶ به کسب مدال برنز نائل آمد. در سال ۲۰۱۷ نیز موفق به کسب مدال نقره مسابقات جهانی شد. همه این موفقیت‌ها در سنین ۱۶ تا ۱۹ سالگی او رقم خورده بود. این در حالی بود که خیلی از رقبای او بدون داشتن حجاب در کشورهای دیگر مغلوب وی گشته بودند.

بهتر است تا کمی دقیق‌تر به بررسی این ادعای خانم علیزاده پردازیم. آیا منظور کیمیا از سرکوب شدن، نبود امکانات ورزشی برای بانوان بوده است؟ آیا منظور وی از سرکوب شدن، نگاه جنسیت‌زده به زنان در ایران بوده است؟ آیا داشتن حجاب اسلامی برای زنان، مخصوصاً او، مانع حضور پررنگ و برابر با مردان در سطح اجتماع شده بود؟ برای پاسخ به این پرسش‌ها و دست یافتن به معنای سرکوب که خانم علیزاده از آن دم‌زده است، باید بدون تعصب و به دیده انصاف به شرایط ورزشی بانوان در ایران نگریست. تا قبل از انقلاب ۵۷ و در زمان استقرار نظام ستم شاهی، زنان و بانوان ایران همانند کشورهای غربی بدون داشتن حجاب اسلامی در میادین ورزشی حاضر می‌شدند و عملاً هیچ تفاوتی با بانوان ملل دیگر نداشتند. اما بعد از آنکه نظام جمهوری اسلامی با فراندوم مردمی در کشور تشکیل شد، الزام به رعایت شریعت اسلامی در تمامی سطوح جامعه در دستور کار قرار گرفت که یکی از جلوه‌های ملموس حفظ شریعت، مسئله حجاب بانوان در جامعه بود. در نتیجه این تحول، ورزش قهرمانی بانوان هم دستخوش تغییر بنیادین گشت و دختران این مرز و بوم به واسطه حاکمیت قانون اسلامی، با حجاب به ورزش پرداختند. برای آنکه این پوشش مانع عملکرد مطلوب بانوان نشود، طراحان لباس در ایران، برای رشته‌های مختلف لباس‌هایی مناسب و منطبق با موازین اسلامی طراحی کردند. بیشتر فدراسیون‌های جهانی به دلیل گرایش و علاقه‌مندی زنان سرزمین‌های اسلامی به رعایت حجاب، داشتن پوشش در مسابقات جهانی را برای بانوان مسلمان بلامانع دانستند. اما برخی از فدراسیون‌های بین‌المللی هم مخالف این رویه جدید پوشش بودند. شنا و والیبال ساحلی از رشته‌های ورزشی هستند که فرصت حضور و رقابت بانوان ایرانی با حجاب اسلامی را به زنان محجبه نداده‌اند. با وجود همه این مسائل دیده ایم که فرصت‌های لازم جهت پیشرفت ورزشی بین مردان و زنان در کشور وجود دارد و مانعی به حد سرکوب برای حضور آنان در عرصه‌های ملی و بین‌المللی وجود ندارد. مدال‌آوری بانوان ایرانی در مسابقات آسیایی و جهانی خود گواهی بر این مدعی است. حال به ادعای خانم علیزاده باز گردیم. وی در حالی از سرکوب شدن و محدودیت حجاب سخن گفته بود که بدون حجاب حتی نتوانست سهمیه کشور آلمان را که بدان پناه برده بود، به دست بیاورد و بدون هویت و با نفوذ و لابی فدراسیون جهانی تکواندو، زیر پرچم پناهجویان وارد المپیک شد. با وجود حضور غیر موجه و اصطلاحاً اختصاصی در المپیک او نتوانست مدالی کسب کند تا این شبیه تقویت شود که چرا وی با وجود سرکوب شدن و محجبه نبودن،

در چنین شرایطی المپیک ریو به پایان رسید و استقبال گرمی از کیمیا به عمل آمد. هدایای هدایا و پاداش‌های ذی قیمت، اسباب تحول زندگی شخصی‌اش را فراهم آورد. اما ناگهان خبری در صفحات ورزشی کشور پیچید که زندگی کیمیای قصه ما را به شدت تحت تأثیر خود قرار داد؛ مصدومیت علیزاده. پارگی رباط صلیبی و از دست دادن بازی‌های آسیایی جاکارتا، سبب شد تا کیمیا پرچمداری ایران در چنین رویداد مهمی را از دست بدهد. بله درست خواندید، پرچمداری! در کاروان‌های ورزشی رسمی کهنه رواج دارد که الهام‌بخش‌ترین و محبوب‌ترین و موفق‌ترین ورزشکار اردو، پرچم کاروان کشورش را به دست می‌گیرد. این توفیق برای بازی‌های آسیایی جاکارتا نصیب اولین بانوی مدال‌آور المپیک ایران شد. قهرمانی محجبه، دختری خنده‌رو و خوش‌اخلاق به نام کیمیا علیزاده. این خود حکایت از اهمیت و توجه ویژه دولت و وزارت ورزش و کمیته المپیک، به دختر ۱۸ ساله ایرانی داشت. با این حال کیمیا به دلیل مصدومیت، بازی‌های آسیایی را از دست داد. گرچه حمایت‌های ظاهری از کیمیا متوقف نشد و دیدار مسئولان ورزشی با او و دعوت‌های مکرر به برنامه‌های صدا و سیما کیمیا را همچنان در کانون توجهات قرارداد، اما مصدومیتش کماکان ادامه داشت و این سرآغازی بود برای طوفانی سهمگین.

بعد از آن دیگر خبری از او نبود که به ناگه، سه سال پس از بازی‌های المپیک، کیمیا علیزاده طی انتشار پیامی در اینستاگرام خود، رسماً خبر از مهاجرت داد و کشور و پرچم خویش را ترک گفت. او تقاضای پناهندگی به آلمان داد. این وقایع به قدری سریع اتفاق افتاد که جامعه ایران را به شوک فرو برد اما آنچه که به شدت تحقیرآمیز و بهت‌آور می‌نمود، علت مهاجرت کیمیا بود. «من یکی از میلیون‌ها زن سرکوب شده در ایرانم که سال‌ها هر طور خواسته‌اند بازی‌ام داده‌اند!!! (رجوع شود به پست اینستاگرامی صفحه کیمیا علیزاده به آدرس kimiya.alizade)

زن سرکوب شده؟! قربانی حجاب اجباری؟! باز بچه بودن؟! جامعه ورزشی ایران که اندک شناختی از کیمیا داشتند، گیج و سردرگم از این سخنان شده بودند. اوضاع بهت‌آور و گیج‌کننده ادامه داشت تا اینکه پای رسانه‌های خبری بیگانه به داستان باز شد. روی آنتن رفتن برنامه‌های متعدد شبکه بی‌بی‌سی فارسی و ایران اینترنشنال و سایرین تا حدود خیلی زیادی جنبه پنهان مسئله را عیان ساخت. گویا دُر کیمیای ایران به دام صیادان سیه‌رویی سیه‌کار افتاده بود. اظهارات و توضیحات مشوش کیمیا علیزاده در هر مصاحبه و تفاوت گفته‌هایش در هر حضور رسانه‌ای، خود گویای این قضیه بود که کیمیا حتی نمی‌توانست درست آنچه را که به او دیکته کرده بودند، باز گو کند. آیا کیمیا به‌راستی سرکوب شده بود؟! آیا طبق ادعای صریح وی، حجاب اجباری مانع پیشرفت او شده بود؟



پرسشی که از ابتدا مطرح کردیم؛ به راستی بازنده اصلی این رقابت المپیکی چه کسی بود؟ درست است که نام ناهید کیانی به عنوان بازنده در اسکوربورد برگزاری مسابقه ثبت شد ولی او بی شک قهرمان مردم ایران بود که با وجود شرایط سخت احساسی و فشارهای ناشی از آن، به مبارزه پرداخت و جانانه جنگید. اما کیمیا چطور؟ شاید کیمیا علیزاده هرگز نپذیرد که فریب خورده و آلت دست عده‌ای شده باشد ولی بدون شک بی هویت بودن برای هیچ انسانی خاصه ورزشکاران، مایه افتخار و پیروزی نیست. اینکه از سر ترحم و زیر پرچم هیچ کشوری در مسابقات حاضر شوی، تلخ و ناراحت کننده است. اما بازنده دیگر، فدراسیون تکواندوی ایران و وزارت ورزش دولت دوازدهم بود. قهرمانان ملی، سرمایه های گرانقدر این مرز و بوم اند که برای رشد و پرورش آنها خون دل‌ها خورده شده است. صیانت از این سرمایه‌های گران بها وظیفه وزارت ورزش و فدراسیون‌های ورزشی است.

**رقابت کیمیا و کیانی برای ما تلخ بود. مرثیه‌ای می بایست تا اندکی تسکین یابیم.**

به هیچ یک از موفقیت‌های قبلی اش دست نیافت و یک بازنده محض بود؟ البته پرداختن به این سوال که روبرو شدن او در اولین بازی با نماینده ایران به قید قرعه و از سر بخت و اقبال بوده است یا فریبی بکار بسته شده است که سبب چنین مواجهه ای شده است؛ خود بحث مفصل و مجزایی را می طلبد.

گروهی در جامعه بر این باور هستند که خانم علیزاده، مثل هر انسان دیگری حق مهاجرت و ترک ایران را داشته است و این همه هجمه علیه او محلی از بحث ندارد و بلاوجه است. در پاسخ به این گروه محترم باید اذعان داشت که اساساً نویسنده این سطور، منکر داشتن حق مهاجرت برای کیمیا علیزاده نیست؛ بلکه بحث بر سر آن علتی است که او با پررنگ کردن آن مهاجرت کرد. مسئله سرکوب زنان از جانب کیمیا توهم پوچی است که بیان آن خالی از بی انصافی نیست. شاید وجود مشکلات یا بهانه‌های مختلف دیگر توجیه کننده حق مهاجرت وی باشد ولی نمی‌توان اسلام و شریعت الهی را اسباب شکست و سرکوب و محدودیت بیان کرد و انتظار واکنش و تحلیل از جانب مخالفین این ادعا را نداشت. بهتر است بازگردیم به

سرمایه‌ای است بس گران بها. شناخت کاستی‌ها و نواقص و تلاش در جهت رفع آنها، گامی مقدس در مسیر فلاح فرد و جامعه است. به جای پاسخگویی خود را به نادانی زدن، پرده پوشی بر آنچه بوده و هست یا انکار نواقص و مشکلات، واقعیت‌ها را عوض نکرده است و دردی را درمان نمی‌کند.

انتقاد و اعتراض از جمله حقوق و آزادی‌های سیاسی شهروندان به‌شمار می‌رود که در نظام‌های مردم‌سالار، هر چند با اندکی تفاوت، به رسمیت شناخته شده است.

حکومت اسلامی نیز با توجه به اینکه نسبت به جایگاه مردم در عرصه سیاسی، رویکردی مثبت داشته است و به نقش فعال آنان اذعان دارد، نمی‌تواند حقوق و آزادی‌های سیاسی شهروندان را نادیده انگارد؛ چرا که علاوه بر اقتضای ویژگی مردم‌سالاری، فقه سیاسی اسلام نیز که تعیین کننده اصول، مبانی و چهارچوب‌های روابط دولت و ملت است، در زمینه شناسایی حقوق و آزادی‌های مردم، موضع شفاف و صریح دارد. انتقاد و اعتراض به هر شیوه‌ای صورت گیرد، گونه‌ای پیکار سیاسی است که به منظور تأثیرگذاری بر قدرت انجام می‌گیرد. از این رو، در کلیه حکومت‌ها اعم از دموکراسی و غیر آن، پیکار سیاسی علنی، محدود است. انتقاد و اعتراض در نظام اسلامی، با



## نقدپذیری در دولت روحانی؛ از هر دست بدی از همان دست می‌گیری!



محمد ناصر علی بابایی

دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت بازرسی دانشگاه علوم قضایی

نقد و انتقاد به معنی جدا نمودن دینار و درهم سره از ناسره، جدا کردن کاه از گندم، به‌گزینی، خرده‌گیری و آشکار کردن زیبایی‌ها و کاستی‌های یک اثر به‌کاررفته است. نقد سخن یعنی اظهار کردن عیب‌ها و محاسن آن. نقادی و نقدپذیری در راستای پرسشگری و پاسخگویی، برای کمال و اصلاح اجتماع،



اینترنت و رشد قابل توجه رسانه‌های متعدد و مختلف، این جریان سرعت گرفت و مسئولان را خواه یا ناخواه با سویه نقدپذیری همراه کرد.

دولت حسن روحانی، هرچند بنابر اقتضای قدرت، روحیه نقدپذیری نداشت اما تا حد زیادی تسلیم فضای جدید شده بود و انتقادات بسیاری را تحمل کرد. هرچند روزنامه‌ها و سایت‌های متعددی را بست و از افراد حقیقی و حقوقی بسیاری طرح شکایت کرد، اما نایبست انصاف را کنار بگذاریم و ادبیات و غرض‌ورزی برخی منتقدان او را نادیده بگیریم. در شرایطی که با تحریم‌های بی سابقه مواجه شد، برنامه‌های صدا و سیما و روزنامه‌های مخالفش، تمام مشکلات را از ناکارآمدی او دانستند و با زشت‌ترین تعابیر به تخریب او پرداختند. اگرچه از قدیم گفته‌اند: «از هر دست بدهی از همان دست پس می‌گیری.» خود او نیز در انتقاد از دولت قبلش، غیرمنصفانه، نقش سوءمدیریت را برجسته نمود و تحریم‌های ناجوانمردانه و ظالمانه را در مرحله بعدی قرارداد.

از نقطه نظر نگارنده، آزادی بیان هیچ دورانی به مانند امروز، در ایران تجربه نشده بود و امیدوارم این مسیر با قدرت بیشتر و کاهش خلل‌های موجود در آن، ادامه یابد.

اینکه از حقوق و آزادی‌های مردم به‌شمار می‌آید، رنگ و بوی تکلیفی هم دارد و بنابراین مردم، موظف به طرح انتقاد و اعتراض هستند. امیرالمؤمنین علیه‌السلام می‌فرماید: «أَعْيُنُنِي بِمَنَاصِحَةٍ خَلِيَّةٍ مِنَ الْعَشْرِ، سَلِيمَةٍ مِنَ الرَّيْبِ»

«مرا، با نصیحت خالصانه و سالم از هرگونه شک و تردید، یاری کنید.»

کسانی هم که مورد انتقاد واقع می‌شوند، نباید نقد و انتقاد را کینه و عداوت تلقی کنند و آن را تضعیف موقعیت خود بدانند، چراکه در یک چرخه صحیح نقد و انتقادپذیری، منتقد برادری دل سوز، تیزبین و خیرخواه است که با نمایاندن نواقص و کاستی‌ها به دنبال بهبود وضعیت موجود است.

در حکومت‌های پادشاهی تا قبل از مشروطه، تقریباً هیچ جایی برای نقد رفتار و منش حاکمیت وجود نداشت. رفته رفته با ظهور و بروز مطبوعات و رسانه‌ها، فضای نقد حاکمیت بازتر شد و حاکمان سعی در بالا بردن سعه صدر خود در برابر مخالف و منتقد داشتند. هرچند نهادینه شدن و پذیرفتن این خوی انسانی، منطقی و دینی در حاکمان، نیاز به گذر زمان داشته است و به مرور کامل تر می‌شود؛ اما امروزه به ویژه در هشت سال گذشته با گسترش

رفته‌است. ما در اوج مصیبت به سر می‌بریم و جناب آقای نمکی از کارهای نکرده‌اش می‌گوید. ما هر روز جان‌دادن عزیزانمان را می‌بینیم و جناب آقای وزیر سعی می‌کند سنگری برای خود بسازد، از جنس تملق و وعده. ما هر روز غم را با غم می‌شویم و جناب وزیر می‌فرماید این ماه قطب فلان دارو در جهان هستیم و سپس دقیقاً همان دارو در کشور نایاب می‌شود.

جناب آقای نمکی وزیر محترم بهداشت جمهوری اسلامی ایران!

شما و دروغ‌های بی‌شمارتان قلب میلیون‌ها ایرانی را به آتش کشید و این حق‌الناسی است که ناگزیر دامنگیرتان خواهد شد. براساس آمار منتشره ۷۵۰ میلیون یورو رمدسیور، وارد چرخه دارویی مبارزه با بیماری کرونا نمودید در حالی که برای واردات واکسن بعد از ۲ سال گفته‌اید وظیفه ما نیست که واکسن وارد نماییم و مجبور شدیم. جناب وزیر می‌شود بگویید دقیقاً چه کسی مسئول است؟ می‌شود درباره قراردادتان با اسپوتنیک روسیه توضیح دهید؟ جناب آقای دکتر نمکی در کجای دنیا و در کشورهای پیشرو وزرای بهداشت، خود شرکت پخش دارو دارند؟ این‌ها تنها جزئی کوچک از سئوالات بسیاری است که در کف خیابان‌ها و جامعه در ذهن مردم پیرامون عملکرد شما و اطرافیانتان



دروغ و وزیر



مرتضی بابایی فتلکی

دانشجوی کارشناسی ارشد بازرسی (پژوهشگر مسائل اجتماعی سیاسی)

روزانه ۶۰۰ نفر بنابر آمار رسمی و شاید هم هزاران نفر غیر رسمی، در کشورمان در مواجهه با بیماری مرگبار و منحوس کرونا جان می‌دهند. در نظر نخست، این آمار شاید صرفاً یک عدد ۳ رقمی ساده باشد؛ در حقیقت اما این آمار نشان‌دهنده فاجعه انسانی است که در پی آن، جان عزیزان ما از دست



خود را کنار بگذارید و با دیده‌ی درست بنگرید. هر چند آن‌هایی که در دولت دوازدهم که موسوم به تدبیر و امید بود و بذر امید کاشتند میوه‌ی یأس به مردم خوراندند و شما نیز ...

جناب آقای وزیر معظم!

مملکت ما به اندازه‌ی ورزشگاه آزادی انسان از دست داده است و حال آن صد هزار کشته را ضریب تعداد بازماندگان آنان بکنید و ببینید چند میلیون نفر اعضای خانواده، داغدار عزیز تازه از دست رفته‌ای شده‌اند.

آقای وزیر!

دوران شما به لطف خداوند تمام شد و تاریخ به قول خودتان قضاوت خواهد کرد و حتما تاریخ شما را قضاوت خواهد کرد اما نه به آن طریقی که پسند طبع شما باشد. ۸ سال دفاع مقدس برابر با یک سال و نیم مبارزه‌ی ما با کرونا فوتی برجای گذاشت. مردان میدان نبودشان عجیب احساس می‌شود در روزهایی که همه فریاد مردانگی سر می‌دهند اما در وادی عمل، خنکای نسیم ملایمی اند بر تن کوه سترگ مصائب.

ای کسانی که ایمان آورده‌اید چرا سخنی می‌گویید که عمل نمی‌کنید؟ نزد خدا بسیار موجب خشم است که سخنی بگویید که عمل نمی‌کنید. (سوره مبارکه صف، آیات ۲ و ۳)

وجود دارد. این گفتنی‌ها بماند برای بعد نکته مهم برای ما ملت ایران آن است که آیا صادرات و اکسن به تمام دنیا انجام خواهد شد یا اینکه تمام دنیا قرار است از بذل هبه همایونی مان بی نصیب بمانند؟ به مردم ایران قول داده بودید تا پایان شهریور ماه، ۶۰ میلیون و اکسن تحویل دهید که این وعده تان همچون مابقی، محقق نشد که نشد. جناب آقای نمکی، پژوهشکده مجلس شورای اسلامی به چه دلیل به جناب آقای زاکانی پیشنهاد تاخیر در واکسیناسیون را داده‌اند؟ قرص و انواع و اقسام داروهای ضد کرونایی که قولش را به مردم داغدار ایران داده بودید چه شد؟ جناب آقای وزیر این‌ها را از قلب حزب الله به شما می‌گوییم. تاب و توان هر قومی یک اندازه‌ای دارد و بعد از آن از هر چه آرمان و هدف که باشد، دل می‌برند و سرد خواهند شد. اگر امروز طالبان در کمتر از ۲ هفته، افغانستان و ارتش میلیارد دلاری آن را با کمترین زحمت شکست داد سبب آن ناامیدی یک ملت به دنبال فساد بی حد و اندازه مسئولین وقت، در ذره ذره امورات مدیریتی و تغییر وضع موجود بود. جناب آقای نمکی در تمام دنیا ۶ نوع واکسن تولید شد و برای مردم ما سوال است که چگونه می‌شود یک کشور ۸۴ میلیون نفری ۸ نوع واکسن داشته باشد و تنها ۷ درصد مردم آن تا به حال واکسینه شوند. جناب آقای وزیر لطفا، خواهشا و عاجزانه از شما تقاضا می‌شود امیال و توهمات

مهاجرت به کشوری دیگر را در پیش گرفته‌اند. علل مهاجرت ورزشکاران متعدد و مختلف است اما برخی پررنگ‌تر و مهم تر هستند.

کم توجهی به ورزشکاران غیر فوتبالی از اصلی ترین آنها است. آمارهای توزیع بودجه بین فدراسیون‌ها در سال ۱۳۹۹، به خوبی گواه این تبعیض اسفناک است. برای مثال در حالی که بودجه ورزش‌های پر افتخار و پرمدالی مثل تکواندو تنها ۴ میلیارد، وزنه برداری ۲/۵ میلیارد تومان و کشتی حدود ۸ میلیارد تومان است که تنها برای یک مربی خارجی تیم ملی

فوتبال قریب ۸ میلیون یورو یعنی حدود ۲۰۰ میلیارد تومان هزینه می‌کنیم و آمار اسفناک‌تر اینکه بودجه اختصاصی تمام ۴۷ فدراسیون ما نصف قرارداد وایلموتس هم نمی‌شود. یعنی به بیان ساده‌تر هزینه حضور ۶ ماهه وایلموتس بر نیمکت تیم ملی از چند برابر هزینه کل فدراسیون‌های ورزشی ما بیشتر است. اصلا درباره ورزش همگانی و دانش آموزی و دانشگاهی صحبت نمی‌کنم که آمارها در آنجا به مراتب فاجعه بار تر است. موجب تعجب دنیا است که چگونه وقتی که وزارت ورزش و جوانان ما برای کشتی تنها ۸ میلیارد تومان بودجه اختصاص می‌دهد که به اندازه خرید یک خانه متوسط در یک منطقه متوسط تهران هم نیست انتظار



## مدالی از جنس خون؛ تقدیم به چنگیز خان و رژیم صهیونیست

نگاهی به مدال بحث برانگیز سعید مولایی در المپیک ۲۰۲۰ و بررسی ابعاد مهاجرت وی و علل آن



مهدی کردی

دانشجوی کارشناسی دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری

کم نیستند ورزشکارانی که عزم مهاجرت از ایران کردند. از امثال میلاد بیگی و کیمیا علیزاده در تکواندو تا فیروزجا و حجازی پور در شطرنج. بحث مهاجرت از قدیم الایام تهدیدی بر پیکر ورزش ایران بوده است اما در سال‌های اخیر این روند سرعت گرفته است و حجم وسیعی از ورزشکاران ایرانی راه



جودوی ایران المپیک توکیو را از دست بدهند. او را میتوان یکی از مهره‌های اصلی تعلیق جودو دانست که باعث بر باد رفتن آرزوی هزاران جودوکار جوان و نوجوان شد.

### زیر پرچم چنگیزخان

او پس از رفتن از ایران قصد مهاجرت به آلمان را داشت. اما نه آلمان و نه هیچ کشور اروپایی دیگر حاضر به پذیرفتن وی در تیم ملی جودوی کشورشان و کنار گذاشتن ورزشکار خود نشدند. اینجا مولایی دو راه داشت: بازی کردن زیر پرچم پناهندگان یا پذیرفتن دعوت مغول‌ها و به عضویت درآمدن در تیم ملی مغولستان. این اقدام مولایی بازخوردهای فراوانی در شبکه‌های اجتماعی ایجاد کرد.

اما بحث برانگیزترین رفتار مولایی در المپیک ۲۰۲۰ رخ داد. در جایی که وی پس از کسب مدال نقره المپیک در اقدامی عجیب آن را به رژیم صهیونیست تقدیم کرد. پس از انتشار این خبر هجمه رسانه‌ای قابل توجهی علیه او شکل گرفت و او را به ناچار، مجبور به تکذیب کرد. اما صبح روز بعد، با انتشار فیلم آن مصاحبه رسوایی دیگری برای او اتفاق افتاد. آری! این اقدام مولایی بی شک تکمیل‌کننده پازلی بود که برای ورزش ایران طراحی کرده بودند. او مهره‌ای بود که سازمان‌های بین‌المللی ضدایرانی را به هدفشان رساند. او از مهاجرت تا تقدیم مدال به رژیم صهیونیست بازیگری بود که کارگردان‌ها به خوبی از او بازی گرفتند.

### مدالی که بوی خون میداد

همه ما کلیشه «پهلوانی از قهرمانی مهم‌تر است.» را شنیده ایم ولی هیچ وقت این چنین لمسش نکرده بودیم. بی‌شک اعتبار یک مدال، به ارزش‌ها و روحیه پهلوانی نهفته در درون آن است و الایک مدال چیزی جز یک تکه فلز سرد نیست و ماندگار نخواهد ماند.

● اقدام او لکه دار کردن روح بلند ورزش بود

● اقدام او خدشه دار کردن روحیه آزادی خواهی و حق طلبی بود.

● اقدام او تیری بود بر قلب یک کودک فلسطینی

● اقدام او فریادی بود بر یک مادر

● اقدام او لگدی بود بر پدر غیرت یک مرد

● اقدام او آب سردی بود بر آتش آرزوهای یک نوجوان فلسطینی

● به راستی او تا ابد شرمنده نگاه معصومانه کودکانه غزه خواهد ماند. او شریک است؛ شریک ریختن خون ده‌ها هزار شهید راه قدس.

مدال‌های رنگارنگ دارد. البته منظور از تبعیض، صرفاً بی‌عدالتی در حوزه مالی نیست در زمینه‌های مختلف میان فوتبال و سایر ورزش‌ها تبعیض هست از نگاه رسانه‌ای گرفته‌است تا امکانات، احترام توجه و ...

در سال‌های اخیر، مسائل سیاسی نیز به علل مهاجرت افزوده شده‌است و هیزم این آتش تلخ را برافروخته تر کرده است. برخی سازمان‌های بین‌المللی و حتی فدراسیون‌های جهانی با تطمیع ورزشکاران ایرانی، آنان را به دام مهاجرت می‌اندازند و این در حالی است که هدف غایی آنها تحقق نظریه شوم تحریم ورزش ایران است و می‌توان علت رشد سریع پدیده مهاجرت را این عامل دانست. البته در کنار همه این عوامل، انگیزه‌های سیاسی-اجتماعی خود ورزشکاران نیز بی‌تاثیر نمی‌تواند باشد.

### سعید مولایی از مهاجرت تا المپیک

مهاجرت سعید مولایی نیز، معلولی است از همه این علل. فشار اقتصادی و کم توجهی مسئولین از یک سو او را به دام این مهاجرت کشاند و تحرکات و لابی‌های صهیونیست‌ها از جمله «ماریوس ویزر»، رییس فدراسیون جهانی جودو، که روابط پشت پرده و تنگناگی با سران رژیم صهیونیستی دارد از سوی دیگر او را به کام مهاجرت کشانید؛ تا آنجا که وی پس از شکست در مسابقات جهانی ۲۰۱۹ بدون هماهنگی با مسئولین ایرانی در حالی که قرار بود به ایران بازگردد، با اسکورت کامل عوامل فدراسیون جهانی به آلمان مهاجرت کرد.

### مولایی بر علیه ایران

اما رسوایی‌های مولایی از جایی شروع شد که فدراسیون جهانی جودو، چت‌های مولایی را با ویزر منتشر کرد. مولایی که برای اخذ پناهندگی، اذعان داشته بود من و خانواده ام در ایران امنیت جانی نداریم و از جهت حاکمیت و مسئولین ورزشی ایران تحت فشار هستیم؛ درصدد بود برای کسب پناهندگی، دست به بحران‌سازی از شرایط فعلی ایران بزنند و با ادعاهایی نادرست، ایران را تحت فشار بگذارند و جودوی ایران را به ورطه تعلیق ببرد تا بتواند پناهندگی‌اش را کسب کند. ارتباط مولایی با مسئولین بالارده فدراسیون جهانی جودو همچون رییس این فدراسیون و نهادهای ضد ایرانی به خوبی بیانگر طرح و نقشه تعلیق و تحریم ورزش ایران بود. اقدام بعدی سعید که این احتمال را به یقین مبدل ساخت، شهادت وی بر علیه ایران در دادگاه حکمیت ورزش و محکوم کردن ایران به تعلیق جودو بود که با این اقدام سبب شد جودو ایران به مدت ۴ سال از هرگونه فعالیت ورزشی محروم شود و نماینده‌های المپیک



یک میلیون و سیصد هزار معلول در کشور داریم که سالیانه نیز به تعداد این معلولان اضافه می شود. البته ساعی نیز معتقد است جمعیت معلولان بیش از میزان اعلام شده است، اما این آمار از سوی سازمان بهزیستی اعلام شده که متولی اصلی امور معلولان است و مرجع آمار و اطلاعات بهزیستی است.

همایون هاشمی، نماینده مردم میاندوآب، شاهین دژ و تکاب در مجلس دهم که زمانی رئیس سازمان بهزیستی نیز بوده است می گوید: ده میلیون نفر جمعیت معلول در کشور داریم که از این تعداد، چهار میلیون نفر دارای

معلولیت شدید و خیلی شدید هستند. (۴)

طبق گفته مدیر کل دفتر امور کودکان سازمان بهزیستی کشور، تنها ۱۵ درصد کودکان در ایران از آموزش‌ها و خدمات پیش از دبستان استفاده می کنند و این مقدار مطابق سند توسعه هزاره و پایدار، از عوامل توسعه نیافتگی محسوب می شود. همچنین در حال حاضر بیست و پنج هزار کودک بی سرپرست و بد سرپرست تحت پوشش سازمان بهزیستی سراسر کشور قرار دارند و از این مقدار پانزده هزار کودک در خانواده های جایگزین با نسبت سببی و نسبی و یا غیر قرار دارند و قریب به ده هزار کودک در مهدهای کودک نگهداری می شوند. (۵)

از صد هزار خانواده زندانیان، سی و دو هزار خانواده تحت پوشش کمیته امداد، سه هزار خانواده تحت پوشش بهزیستی و بیست و پنج هزار خانواده تحت پوشش انجمن حمایت از زندانیان هستند و ما بقی هم که شامل حدود چهل هزار خانواده هستند، بدون هیچ حمایتی زندگی می کنند.

همچنین محسن نصیری مدیرعامل انجمن حمایت از زندانیان در سال ۱۳۹۲ اعلام کرده بود در دو سال اخیر تعدادی از ورودی های زندان‌ها متعلق به اقوام درجه یک برخی از زندانیان است که در حال تحمل کیفر هستند. این مسئله بدین معناست که در صورت عدم حمایت جدی از خانواده زندانیان، آنها به میزان خیلی بیشتری در معرض ارتکاب جرم می باشند. (۶)

آمارهای قابل توجه و نگران کننده فوق، تنها بخشی از مشکلات اقشار آسیب پذیر ایران امروز است. اقشاری که هم وطن و هم شهری ما هستند، در کنار ما زندگی می کنند، روزانه با آنها مواجهه داریم ولی به ده ها دلیل مختلف صدای آنها شنیده نمی شود و بیشتر افراد دیگر جامعه هیچ وقت آن طور که باید به مشکلات آنها پی نمی برند. بدیهی است تا زمانی که مشکلی به درستی فهمیده نشود، برای آن راهکار ارائه نمی گردد و اگر هم ارائه بشود، چون فهم عمیق و دقیقی از مشکل انجام نگرفته، ممکن

## مطالبه گری

### ستونی برای شنیدن صدای بی صدایان



علی بیات

مسئول واحد مطالبه گری نشریه خط بهشتی بسیج دانشجویی

در حال حاضر بیش از ده میلیون کارگر در کشور وجود دارد که چند میلیون آنها یا غیر رسمی هستند یا تحت پوشش قانون کار نمی باشند یا اساساً تحت پوشش هیچ قانونی نیستند! حتی از بخش رسمی کارگران نیز بیش از ۹۰ درصد آنان قرارداد موقتی هستند؛ یعنی هیچ آینده شغلی بلند مدتی برایشان قابل تصور نیست و هر ساله در خطر بی کاری قرار دارند. (۱)

طی ده سال یعنی از ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۶، پانزده هزار و نهصد و نود هفت نفر در حوادث ناشی از کار جان خود را از دست دادند که پانزده هزار و هفت صد و شصت و هفت نفر از این افراد مرد و دویست و سی نفر زن بودند. یعنی به طور میانگین سالانه دست کم هزار خانوار نان آور خود را در حوادث کاری از دست می دهند. (۲)

بنا به گفته عضو کمیسیون اجتماعی مجلس دهم، بیش از سه میلیون زن سرپرست خانوار در کشور وجود دارد و آمارهای به دست آمده نشان می دهد که طی ده سال گذشته تعداد خانواده های دارای سرپرست زن نسبت به مردان ۵۸ درصد افزایش داشته است. (۳)

طبق آمار جامعه جهانی، معلولان ۱۰ تا ۱۵ درصد از جمعیت را تشکیل می دهند. به عبارتی با یک محاسبه سرانگشتی در کشور ما نیز حداقل هشت میلیون نفر دچار انواع معلولیت هستند. اما زهرا ساعی، نماینده مجلس دهم و مشاور و مدیر کل سابق امور بانوان و خانواده استانداری تهران می گوید طبق آمار



این ستون ویژه فرصتی است برای معرفی، آسیب شناسی، بیان مشکلات و در نهایت ارائه راهکار برای حل معضلاتی که کارگران، خانواده زندانیان، معلولان، اطفال، مجانین، زنان سرپرست خانوار، افراد تحت سرپرستی نهاد هایی چون بهزیستی، اقشار محروم و سایر اقشار آسیب پذیر روزانه با آن دست و پنجه نرم می کنند.

است آن راهکار نه تنها گره ای از مشکلات آنها را باز نکند، که حتی نتیجه معکوس داده و مشکلات را تشدید کند. نشریه خط بهشتی، بنا به رسالت عدالت محور و ضد تبعیض خود در نظر دارد که در هر شماره ستون ثابت و ویژه ای برای شنیدن صدای اقشار بی صدا و اعطای قدرت به بی قدرتان داشته باشد و از عموم دغدغه مندان، پژوهشگران و فعالان این حوزه دعوت به همکاری و همیاری می کند.

### پی نوشت

۱: ۹۹۰۹۲۲۱۶۴۰۲/https://www.isna.ir/news

۲: ۶۵۷۹۲۵ /https://www.ilna.news

۳: ۴۳۲۵۴۷/https://www.icana.ir/Fa/News

۴: ۸۳۳۳۶۱۵۷/https://plus.irna.ir/news

۵: ۲۵/۹۶۰۲۰۲۰۰۹۲۴/https://www.isna.ir/news

۶: ۱۱۴۵۴۹۵/https://www.iribnews.ir/fa/news

دانشگاه علوم قضایی بنا به رسالت خود، گفت و گوی زنده ای با جناب آقای محمد خنیفر، یکی از کارگران اخراجی هفت تپه، و محمد نجار صادقی، دبیر اقتصادی روزنامه وطن امروز و فعال حوزه کارگری، در تاریخ ۱۴۰۰/۵/۲۲ در بستر اینستاگرام برگزار کرد که گزارش آن به شرح زیر است:

محور های گفت و گو با آقای نجار صادقی:

به عنوان پرسش نخست بفرمایید که چرا مسئله هفت تپه مسئله مهمی است؟

در دهه اخیر، واگذاری هایی در صنعت بوجود آمد که هدفشان، بهره مند کردن آن کارخانه نبوده است. مانند آلومینیوم هرمزگان، هفت تپه و... در تمامی این موارد، کاهش تولید و اعتراضات کارگری را داشتیم. طبق بررسی مجمع تشخیص مصلحت نظام، این واگذاری ها، ذیل رد مال یا درآمدزایی برای رفع کسری بودجه دولت بود. هفت تپه مانند قراردادی استعماری بود. مثلاً اگر مالکین فعلی، اقساط خصوصی سازی را پرداخت نمیکردند، امکان خلع ید ایشان فراهم نبود. یا اگر پرداخت میکردند، به آنها تخفیف اقساطی داده میشد. چنین قراردادی، مصداق فساد اقتصادی و سیاسی است.



هفت تپه پس از صدور حکم خلع ید

## گزارش اولین پرونده مطالبه گری

در تاریخ ۱۹ اردیبهشت سال جاری، خبر صدور حکم خلع ید و آزاد سازی شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه بر خروجی رسانه ها قرار گرفت. حکمی که تا زمان نگارش این مطلب هنوز جامعه عمل به آن پوشانده نشده است. در یک ماه گذشته نیز شاهد از سرگیری تجمعات روزانه کارگران هفت تپه در اعتراض به وضعیت خود بودیم. در پی رویداد های فوق، واحد سیاسی-مطالبه گری بسیج



وضعیت هفت تپه امروز پیچیده است و نمی توان گفت بلافاصله بعد از خلع ید، هفت تپه تعاونی شود. می توان پس از خلع ید، ابتدا یک شرکت دولتی کارها را انجام بدهد، بدهی ها و حقوق معوق را پرداخت کند و هفت تپه را به یک وضعیت ثبات برساند. اصل ۴۴ را باید در شرایطی که زمینه سازی آن انجام شده اجرا کرد و در حال حاضر قابل اجرا نیست.

در مورد بخش دوم سؤال باید گفت که تعاون واقعاً مرز ندارد. مثلاً در مقاله ای دیدم که نوشته بود در آلمان یک شرکت صنایع نظامی (که یک صنعت استراتژیک است و معمولاً فقط دولت ها در آن سرمایه گذاری می کنند) به بخش خصوصی واگذار شده بود و در حال حاضر به یکی از شرکت های بزرگ تولید کننده خودرو تبدیل شده است.

### اگر کلام پایانی دارید بفرمایید.

بزرگترین زمین سوخته ای که آقای روحانی برای آقای ریسی گذاشته، حس بی اعتمادی است که به جا مانده. امیدواریم که دولت جدید بذر امید در دل ها بکارد.

### محورهای گفت و گو با آقای خنیفر:

**از روز ۱۹ اریبهشت امسال که خبر آزادسازی هفت تپه منتشر شد تا امروز چه تغییری در وضعیت هفت تپه صورت گرفته؟**

ما از سال گذشته مشتاق شنیدن این خبر بودیم که هفت تپه آزاد شود و به یک مجموعه به نام شرکت توسعه نیشکر و صنایع جانبی هفت طرح منتقل شود که یک شرکت نیمه دولتی است، نه بخش خصوصی. چون هفت تپه یک شرکت مادر و یک شرکت عظیم است و نمی شود آن را به بخش خصوصی واگذار کرد. هفت تپه ۲۴ هزار هکتار زمین و حدود ۵ هزار کارگر دارد و مجموعه بزرگی است. از ۱۹ اردیبهشت تا کنون هیچ تغییری در وضعیت هفت تپه صورت نگرفته و آقایان اسدیگی همچنان مدیریت شرکت را در اختیار دارند. بنا به گفته آقای کعب عمیر نماینده محترم شوش، حکم خلع ید هنوز به سازمان خصوصی سازی ابلاغ نشده است. آقای اسدیگی متوجه حکم خلع ید شده زیرا حکم توسط صدا و سیما که یک رسانه ملی است اعلام شده و در حال سنگ اندازی و کارشکنی است. قانوناً هم آقای اسدیگی هنوز مالک هفت تپه به شمار می آید. ما درباره هفت تپه دو پرونده در قوه قضائیه داریم: یک پرونده ارزی آقای اسدیگی و دیگری پرونده خلع ید.

مطالبات ما مشخص است: ۱- تعیین تکلیف اجرای حکم خلع ید ۲- پرداخت حقوق های معوقه ۳- بازگرداندن کارگران اخراجی به کار ۴- رسیدگی به وضعیت کارگران فصلی ۵- واکسیناسیون کارگران هفت تپه ۶- مخومه کردن پرونده های مربوط به اعتراضات کارگران به صورت دائمی، به خصوص درباره آقای

### چرا حکم خلع ید اجرا نمیشود؟

حکم صادر شده اما در زمان رئیس سابق قوه قضائیه فرصت ابلاغ پیدا نکرد. از رئیس جدید قوه قضائیه انتظار رسیدگی می رود.

### آیا اساساً با واگذاری ها و خصوصی سازی مجموعه های اقتصادی موافق هستید؟

از منظر اقتصاد، واگذاری و خصوصی سازی با شرایط کشور ما، هماهنگی ندارد. در کشور ما بحث تعاون را داریم و طبق اصل ۴۴ می توانستیم کارخانه ها را به کارگرها واگذار کنیم یا تبدیل به تعاونی کنیم. اما واگذاری های ما، برای رد مال بودند و دولت هیچ اطلاعی از نحوه فعالیت آن کارخانه نداشت. مصداق این واگذاری ها در روسیه شکست خورد اما در آلمان موفق شد. آلمان اقتصاد خود را پویا و رقابتی کرد و زمینه ها را فراهم آورد. اما ما در طی ۱۵ سال، ۹۰۰ واحد را واگذار کردیم. این اقتصاد نوپا، توانایی واگذاری ها را نداشت. عدم شفافیت هم یکی از عواملی است که سبب شکست واگذاری ها شد. الان مشخص نیست که این ۹۰۰ واحد چه سرانجامی داشته اند. حتی سازمان خصوصی سازی هم اطلاعی از این موضوع ندارد. زمانی می توان واگذاری انجام داد که اقتصاد رقابتی، شفاف، پویا و با عدم کسری بودجه ایجاد شود.

### متأسفانه در گروه های اولویت دار برای واکسیناسیون نامی از کارگران نیست. در این خصوص چه نظری دارید؟

اگر به مسئله واکسیناسیون بخواهیم کلان تر نگاه کنیم، باید گفت که صدای کارگران خیلی اوقات شنیده نمی شود. امروزه ما بالغ بر ده میلیون کارگر در کشور داریم که با در نظر گرفتن خانواده های آنها می توان گفت نیمی از کشور ما را خانواده های کارگری تشکیل می دهد. می بینید که در حال حاضر هنرمندان، گرافیست ها و حتی خبرنگاران واکنس زدند. به نظر من کارگران و به ویژه کارگران خط تولید، اولویت ویژه تری برای واکنس داشتند. به این نکته نیز توجه کنید که مثلاً هنرمندان عزیزی که واکنس شدند، درآمد های ماهانه بالایی دارند ولی کارگری که ماهانه درآمد کمی دارد، کدام درمان را می تواند انجام دهد؟

**در سیاست های کلی اصل ۴۴ بارها از کلمه «تعاونی» استفاده شده است. آیا مدل تعاونی برای شرکتی چون هفت تپه جوابگوست؟ به طور کلی مدل تعاونی برای چه مجموعه های اقتصادی جوابگوست؟**



طبق پیگیری هایی که فعالین کارگری هفت تپه انجام دادند، مجموعه شرکت نامه ای به بهداشت شهرستان در این خصوص فرستادند. هفت تپه فقط یکی از مجموعه های کارگری کل کشور است. کارگران در روز چندین ساعت در یک محیط و در یک فضای بسته کار می کنند. البته این مسئله یک مسئله کلان کشور است. چرا برای جامعه کارگری در سطح کشور، مسئله واکسیناسیون مطرح نشده است؟

در جریان اعتصابات که توسط ما صورت گرفته، اکثر کارگران پروتکل های بهداشتی ها را رعایت می کنند ولی در محیط کار این طور نیست؛ چون در آنجا شرایط متفاوت است.

روزی که یکی از کارگران ما بخاطر کرونا فوت کرد، رییس بهداشت شهر شوش در جمع اعتصاب کنندگان آمد و در پاسخ به انتقادات ما درباره واکسیناسیون گفت که ما تابع ستاد مقابله با کرونای استان هستیم!

### نظر شما درباره مدل تعاونی برای اداره هفت تپه چیست؟

مطابق اصل ۴۴ شرکت های مادر نباید واگذار شوند. هفت تپه یک شرکت مادر و استراتژیک است و نباید واگذار شود. اگر همان زمان که می خواستند هفت تپه را واگذار کنند، تعاونی شکل می گرفت بهتر بود. در حال حاضر حتی قصه تعاونی هم برای هفت تپه فعلا جوابگو نیست. به یک شرکت دولتی یا شبه دولتی مثل هفت طرح نیاز دارد که برای آن هزینه و تأمین مالی کند.

### نمایندگان مجلس تا چه اندازه پیگیر اوضاع کارگران هفت تپه بودند؟ نتیجه جلساتی که کارگران با نمایندگان مجلس داشتند چه بود؟

ما هم در سال ۹۷ که در دوره قبلی مجلس بود و هم در سال گذشته که در دوره مجلس فعلی است، به مجلس رفت و آمد داشتیم. برخی نمایندگان هم در سال گذشته به میان کارگران در جلوی فرمانداری شوش آمدند و انصافا هم پیگیر هستند. از ما هم برای شرکت در جلسات کمیسیون مجلس دعوت کردند و حدود ۲۰ نفر از هفت تپه در آن جلسه شرکت کردیم. انشاءالله در دولت جدید نه فقط کارگران هفت تپه که همه کارگران بتوانند صحبت کنند و صدای آنها شنیده شود. در اینجا مناسب است که از همه کسانی که به ما کمک کرده اند تشکر کنم ولی ما هنوز به آن نتیجه مطلوبی که می خواستیم نرسیدیم. هدف ما این است که هفت تپه آباد شود.

### اگر کلام پایانی دارید بفرمایید.

امیدواریم که همه دست به دست هم دهیم و این صحبت های ما برای کارگران هفت تپه نتیجه بخش باشد. نیاز داریم که هفت تپه را همه دریابند.

نجاتی که یکی از کارگران بازنشسته و مسن هفت تپه است ۷- مختومه کردن پرونده وکیل کارگران، خانم زیلابی بارها گفتیم مسائل ما صنفی است و کاری به مسائل سیاسی نداریم. اگر شما بخواهید یک تشکل صنفی مستقل در هفت تپه درست کنید و با شورای اسلامی کار مخالفت کنید صد در صد یک انگ امنیتی به شما می زنند. به طور کلی هرکسی در یک چارچوب صنفی آزاد و مستقل باشد حذف می شود.

### دلیل اخراج شما چه بود آقای خنیفر؟

طبق ماده ۷ قانون کار، اگر در قرارداد شفاهی، پایان مدت قرارداد ذکر نشود آن قرارداد دائم است. اما برخلاف قانون، زمانی که بنده به وضعیت هفت تپه اعتراض کردم، ادعا کردند که مدت قرارداد ما تمام شده است. حتی نامه یا نوشته کتبی مبنی بر پایان کار به ما داده نشده. دو سال پیش به این کار خلاف قانون به اداره کار شکایت کردیم ولی هنوز جوابی نگرفتیم.

### بیش از یک ماه از دور جدید اعتصابات کارگری هفت تپه گذشته است. آیا مسئولی در این مدت، به وضعیت شما رسیدگی کرده یا در بین شما حاضر شده؟

تنها مسئولی که در جمع کارگران آمد، امام جمعه شوش، آقای علیزاده بودند. فرماندار که در سال ۹۶ ضامن آقایان اسد بیگی و رستمی شده بود، واکنشی به اعتصابات ندارد. سال گذشته، چند تن از نمایندگان مجلس از کارگران خواستار بازگشت به کار شدند و قول پرداخت معوقات را دادند. اما همچنان خبری نیست و این باعث سلب اعتماد کارگران از مسئولین شده است. و این اعتصابات تا زمانی که خلع ید صورت نگیرد، پایان نمی یابد.

### به نظر شما هفت تپه پس از خلع ید چگونه باید باشد؟

انشاءالله زودتر شاهد اجرای حکم خلع ید باشیم. به نظر ما تنها ارگانی که می تواند به وضعیت هفت تپه سامان دهد شرکت هفت طرح است. اگر شرکت هفت تپه باز هم به بخش خصوصی دیگری واگذار گردد، تعطیل می شود. در سال ۹۹ با رئیس دیوان محاسبات، جلسه ای داشتیم که ایشان در آن جلسه به نقل از رئیس وقت بنیاد مستضعفان، بیان داشتند که بهترین گزینه ای که می تواند هفت تپه را درست کند، شرکت هفت طرح است. برخی مطالبات ما در گرو تصمیم قوه قضائیه است و برخی دیگر در گرو قوه مجریه. وزیر اقتصاد جدید باید پیگیر اجرای حکم خلع ید باشد؛ چرا که سازمان خصوصی سازی زیر مجموعه وزارت اقتصاد است.

### آیا برای واکسیناسیون کارگران هفت تپه اقدامی انجام شده است؟

\* در پایان لازم است ذکر شود که در فاصله هشت روز پس از برگزاری این برنامه، در تاریخ ۱۴۰۰/۵/۳۰ خبر خوشحال کننده ابلاغ حکم خلع ید از هفت تپه توسط شعبه ۵۵ دادگاه حقوقی تهران، به دولت و مالک هفت تپه ابلاغ شد.





# دریچه حقوقی



الکترونیک نیز با توجه به مختصاتی که از آن بیان خواهد گردید، متفاوت از آنچه تاکنون حقوقدانان در خصوص سند بیان کرده‌اند، نیست. در این مبحث مفهوم سند الکترونیک از حیث داده‌پیام و امضا مطرح می‌گردد تا با شناسایی آن، بتوان تعریفی از این گونه اسناد به دست آورد. داده‌پیام متشکل از دو بخش داده و پیام است. در تعریف داده چنین آمده‌است: «داده عبارت است از نمادهای غیر تصادفی مانند کلمات، مقادیر و شکل‌ها که بیانگر رویدادهایی هستند که اتفاق افتاده‌اند. به عبارت دیگر، داده‌ها حقایقی هستند که از

طریق مشاهده و تحقیق به دست می‌آیند و ثبت می‌شوند.» (جعفرنژاد قمی و عباس نژاد، ۱۳۸۷، ص ۱۳) پیام نیز عبارت است از خبر، سخن یا مطلب کتبی یا شفاهی که برای دیگری فرستاده می‌شود. (عمید، ۱۳۶۴، ص ۴۹) بنابراین داده‌پیام آنچنان که قانون تجارت الکترونیک در بند الف ماده ۱ تعریف می‌نماید عبارت است از: «هر نمادی از واقعه، اطلاعات یا مفهوم که با وسایل الکترونیک، نوری یا فناوری‌های جدید اطلاعات تولید، ارسال، دریافت، ذخیره یا پردازش شود.»

مطابق ماده ۱۲۸۴ ق.م. سند دلیلی است که دارای دو شرط اساسی باشد؛ یکی آن که نوشته باشد و دیگر آنکه در مقام دعوا یا دفاع قابل استناد باشد. در این که سند نوشته‌است، اتفاق نظر وجود دارد اما اینکه مصداق نوشته چیست، اختلاف نظر حاکم است. نوشته تنوع بسیار دارد، هر خط و علامتی که بر روی هر وسیله ای اعم از کاغذ، پارچه، چوب، سنگ، آجر، فلز و ... نگاشته می‌شود، یک نوشته بشمار می‌رود. این اختلاف نظر خصوصاً در مورد اسناد الکترونیک جای بحث فراوان دارد.

**در پرسش پیش‌رو و در موارد مطروحه آتی، تکلیف این پرسش روشن خواهد شد. سؤال این است که آیا می‌توانیم اسناد الکترونیک را در چهارچوب ادله اثبات دعوا جای دهیم؟**

تا قبل از سال ۱۳۸۲ و تصویب قانون تجارت الکترونیک، همواره تردیدهایی در خصوص صدق عنوان نوشته بر سند الکترونیک وجود داشت. بعد از تصویب قانون تجارت الکترونیک، این تردیدها مرتفع شد و قانونگذار متعاقب تعریف داده‌پیام (در بند الف ماده ۲) صراحتاً در ماده ۶ مقرر داشت که اگر وجود یک نوشته از نظر قانون لازم باشد، داده‌پیام در حکم نوشته است. این ماده با نوشته دانستن داده‌پیام، در مقام آن بوده تا داده پیام شرط اول سند بودن را کسب کند. (۱۱ ص ۹) لذا با وضع این ماده، دیگر نمی‌توان با این استدلال که سند الکترونیک نوشته



## معضلی به نام اسناد الکترونیک؛ اسناد الکترونیک چه جایگاهی در چهارچوب ادله اثبات دعوا دارند؟



آرمان رحیمی

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق سردفتری اسناد رسمی

با گسترش حوزه فناوری اطلاعات در تمام ابعاد زندگی بشر، حوزه‌های مختلفی از جمله نظام حقوقی، تحت تاثیر فناوری‌های نوین اطلاعات و ارتباطات قرار گرفته‌است. با ظهور فناوری‌های جدید، تعداد اسنادی که به شکل الکترونیکی تولید می‌شوند، افزایش یافته‌است به نحوی که امروزه تمام ادارات و سازمان‌های دولتی و خصوصی، به طور روزانه و مستمر برای انجام فعالیت‌هایشان، اسنادی را به شکل الکترونیکی تهیه، تولید یا دریافت می‌کنند. دلیل در ماده ۱۹۴ ق.آ.د.م. عبارت از امری است که اصحاب دعوا برای اثبات یا دفاع از دعوا به آن استناد می‌کنند و در اصطلاح حقوق جزا عبارت است از هر وسیله قانونی که مقام قضایی را در کشف حقیقت و حصول اکتاع وجدانی و اتخاذ تصمیم، یاری بخشد. (آشوری، ۱۳۸۸، ص ۲۳۰) ماده ۱۲۸۵ ق.م. اسناد کتبی را به عنوان یکی از ادله اثبات دعوا برشمرده‌است و متعاقب آن در ماده ۱۲۸۴ در تعریف سند چنین مقرر داشته است: «سند عبارت است از هر نوشته که در مقام دعوی یا دفاع قابل استناد باشد.»

**در این مطلب برآنیم که ابتدا مفهوم و ویژگی اسناد الکترونیک را بررسی کنیم و به دنبال آن به این سوال پاسخ دهیم که آیا می‌توان اسناد الکترونیک را در چهارچوب ادله اثبات دعوا جای داد؟**

### ● مفهوم سند الکترونیک

در حقوق ایران ماده ۱۲۸۴ ق.م. سند را عبارت از نوشته‌ای دانسته است که در مقام دعوا یا دفاع از دعوا قابل استناد باشد. سند



الکترونیکی و از بین بردن آن‌ها نسبت به اسناد و مدارک کاغذی به مراتب آسان‌تر شود. در خصوص اسناد و مدارک کاغذی معمولاً افراد به تنهایی می‌توانند مدارک در دسترس را بازمینی نمایند و مواد و مطالب دلخواه را به راحتی امحا کنند یا تغییر دهند. اسناد الکترونیکی امکان دسترسی به یادداشت‌های غیر رسمی را که از طریق پست الکترونیکی ارسال می‌شوند، فراهم می‌آورند. حتی در جایی که اسناد و مدارک نسخه‌های چاپی رایانه‌ای نیز در دسترس است، ممکن است پیش‌نویس اولیه این اسناد تنها به شکل الکترونیکی موجود باشد. ممکن است نسخه‌های الکترونیکی اسناد و سوابق، دارای اطلاعات مضاعفی باشند یا شاید اطلاعات سامانه یا رمزهای پنهان در کپی الکترونیکی موجود باشند و می‌توان از آنها برای پی‌بردن به دستکاری‌های انجام شده (مانند تغییر تاریخ یک سند یا فراهم آوردن اطلاعات راجع به تولید و انتشار یک سند) استفاده کرد. اسناد الکترونیکی این قابلیت را دارد که نسبت به اسناد کاغذی متقاعدکننده‌تر باشد. یک سند شنیداری یا چند رسانه‌ای که از طریق یک نظام الکترونیکی پیام‌رسان به دست می‌آید و مؤید این گونه امکانات است، بیشتر قانع‌کننده است. اسناد الکترونیکی این توانایی را دارد تا محاسبه و پردازش اطلاعات و انتقال آن را با سرعت بسیار بالا انجام دهد، زمان انجام کار را به حداقل ممکن برساند و در نتیجه بهره‌وری را افزایش دهد. اسناد رقمی امکان جستجو و دستیابی سریع به اطلاعات و انتقال به موقع سوابق را که را به آرشیو ملی نیز فراهم می‌کند. در مشاغل مبتنی بر انسان، دقت انجام کار متغیر است، در حالی که فناوری اطلاعات، دقتی بالا و ثابت را تأمین و تضمین می‌کند. در انواع فعالیت‌های پردازشی و محاسباتی، دقت رایانه به مراتب بیشتر از انسان است.

### ● جایگاه و قدرت اسناد الکترونیک در تقابل با سایر ادله

همان‌طور که در محیط واقعی ممکن است دلایل ابرازی توسط طرفین دعوا در تعارض با هم قرار گیرند، این امکان وجود دارد که در مقابل استناد یکی از طرفین به داده‌پیام‌های منضم به امضای الکترونیک، طرف مقابل به یکی از ادله سنتی اشاره شده در قوانین موجود استناد کند، تا حسب مورد ارزش محتوای نوشته الکترونیک را مخدوش کند یا از تاثیر آن بکاهد. حل تعارض بین ادله سنتی از یک سو با توجه به ارزشی که قانون برای هر دلیل نسبت به دلایل دیگر مشخص کرده است و از سوی دیگر با توجه به دلالت هر یک از این ادله از نظر قضایی برای اثبات دعوا یا دفاع از آن در مقایسه با دلیل معارض صورت می‌گیرد. به طور مثال به موجب ماده ۱۳۰۹ ق.م. در مقابل سند رسمی یا سندی که اعتبار آن در محکمه محرز شده، دعوایی که مخالف با مفاد و مندرجات آن باشد به شهادت شهود اثبات نمی‌گردد. هرچند که ماده ۱۳۰۹ بر اساس نظریه مورخ ۶۷/۸/۸ شورای نگهبان خلاف شرع شناخته شده است. (کاتوزیان، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۳۷)

همچنین ماده منسوخ ۱۳۰۸ ق.م. سابقاً مقرر می‌داشت که دعوای سقوط از قبیل پرداخت دین، اقاله، فسخ، ابراء و امثال آن،

نیست، ارزش اثباتی آن را نادیده گرفت. هرچند تا قبل از وضع این قاعده نیز، این استدلال قابل رد بود؛ زیرا به تناسب هر دوره ای نحوه نوشتن تغییر پیدامی‌کند و وقتی که ماده ۱۲۸۴ سند بودن را موکول به نوشته بودن می‌کند، اشاره‌ای به اینکه نوشته باید نوشته کاغذی باشد، نمی‌کند. در واقع، اینکه عده‌ای نوشته را صرفاً در قالب کاغذ قبول می‌کنند، بیشتر ناشی از انس ذهنی و غلبه استفاده از نوشتار کاغذی به خصوص در دهه‌های قبل است. لذا نوشته اعم است از نوشته کاغذی و نوشته الکترونیکی. شرط دوم ماده ۱۲۸۴ نیز از طریق ماده ۱۲ قانون تجارت الکترونیکی برای اسناد الکترونیکی تأمین شده است. به موجب این ماده «اسناد و ادله اثبات دعوا ممکن است به صورت داده پیام بوده و در هیچ محکمه یا اداره دولتی نمی‌توان بر اساس قواعد ادله موجود، ارزش اثباتی داده پیام را صرفاً به دلیل شکل و قالب آن رد کرد». این ماده ضمن صحه گذاشتن بر اینکه سند می‌تواند به صورت داده پیام باشد، مقرر می‌کند که ارزش اثباتی آن را نباید به دلیل شکل و قالبی که دارد، نادیده گرفت. در واقع با ذکر کلمه سند در ماده ۱۲ مشخص می‌شود که مقنن نوشته‌های هایی را که به صورت داده پیام هستند، از جمله نوشته‌های الکترونیکی را که می‌توان در مقام دعوا یا دفاع به آن استناد کرد، به عنوان سند موضوع مواد ۱۲۸۴ تا ۱۳۰۵ ق.م. مورد پذیرش قرار داده است. (۱۲)

باری با تصویب قانون تجارت الکترونیکی و از طریق مواد ۶ و ۱۲ آن، دو شرط مذکور در ماده ۱۲۸۴ ق.م. نسبت به سند الکترونیکی تأمین شده و اسناد الکترونیکی (داده پیام) در عداد دلایل قانونی قرار گرفته است. (۱۱، ص ۹) از همین رو در نظام حقوقی فعلی ایران، اسناد الکترونیکی دارای ارزش اثباتی هستند و مدعی می‌تواند با استناد به آن‌ها دعوی خود را اثبات کند.

### ● ویژگی‌های اسناد الکترونیک

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های متمایز اسناد الکترونیک این است که می‌توان آن‌ها را تکثیر نمود. اگرچه دستگاه‌های فتوکپی، کپی‌برداری از اسناد کاغذی را تسهیل نموده‌اند، اما تکثیر و انتشار کپی‌های الکترونیکی بسیار آسان‌تر و سریع‌تر است. یکی دیگر از ویژگی‌های نسخه الکترونیکی یک سند این است که احتمال دارد با کپی پرینت‌شده آن یکی نباشد و ممکن است تنها در جریان بررسی نسخه الکترونیکی، اطلاعات مخفی شده مهم آن قابل رؤیت باشد. در نتیجه داشتن کپی الکترونیکی یک سند یا مدرک می‌تواند نسبت به پرینت به ظاهر کامل آن، اطلاعات بیشتری را به ما ارائه دهد. معمولاً رایانه‌ها اطلاعات را در محل‌هایی از قبیل فایل‌های ثبت وقایع و سربرگ اسناد ذخیره می‌کنند که عموماً در دسترس کاربران قرار ندارند. بسیاری از کاربران از انواع اطلاعاتی که توسط سامانه‌های رایانه‌ای ردگیری و ذخیره می‌شوند مطلع نیستند. اسناد الکترونیکی را می‌توان به صورت بسیار فشرده‌ای ذخیره کرد. این عمل سبب می‌شود تا جابه‌جایی و نقل و انتقال اسناد



در نتیجه امروزه به مانند دوره های گذشته نمی توان خود را پایبند قواعد و مقررات کهنه و روش های قدیمی برای انعقاد معاملات تجاری و روابط حقوقی نمود، بلکه باید به مدد تکنولوژی جدید، به وضع قواعد و مقرراتی پرداخت که ضمن ایجاد سهولت و سرعت، زمینه ساز کاهش هزینه ها و ایجاد امنیت مالی و روانی گردد. مدت ها است که تجار و بازرگانان برای حفظ و ثبت و ضبط وقایع تجاری خود و استناد به آن در مواقع لزوم، به ادله الکترونیکی خصوصاً سند الکترونیکی روی آورده اند. اظهار انکار و تردید و ادعای جعل به عنوان شیوه های تکذیب اصالت سند در دلایل الکترونیکی، تغییر پیدا کرده است و مدعی اصالت سند برای اثبات اطمینان دلیل و صحت آن، باید از شیوه فنی متناسب با این ادله استفاده کند. گسترش این داده ها در فضای سایبر، دشواری انتساب داده پیام و احراز اصالت و صحت این داده ها در محاکم، سبب شده حقوقدانان در پذیرش ادله الکترونیکی به عنوان دلیلی معتبر و قابل استناد تردید نشان دهند؛ لیکن قانونگذار ایران ارزش اثباتی این دلایل را در قوانین مختلف از جمله قانون جرایم رایانه ای و همچنین قانون تجارت الکترونیکی پذیرفته است. اسناد الکترونیکی نیز همانند اسناد سنتی، واجد ارزش اثباتی هستند. وجه تمایز اسناد الکترونیکی نسبت به اسناد سنتی شکل آن ها است که برخلاف اسناد سنتی که به رسمی و غیر رسمی تقسیم می گردند؛ به دو دسته مطمئن و غیر مطمئن قابل تقسیم اند و ارزش اثباتی آن ها نیز بر همین اساس سنجیده می شود. با این حال در زمینه جمع آوری و استنادپذیری ادله الکترونیکی (داده پیام) و اسناد الکترونیکی، نظام حقوقی ایران با چالش هایی روبه رو است که البته در راستای رفع این چالش ها، ارتقای سطح دانش فنی در شیوه های جمع آوری، مستندسازی و ارائه ادله الکترونیکی به مراجع قضایی، از ضروریات است.

### پی نوشت

- ۱- ابدالی، مهرزاد. (۱۳۸۵). رویه و آیین دادرسی مدنی، تهران، انتشارات نیک اندیش.
- ۲- بختیاروند، مصطفی. (۱۳۸۴). ماهیت و آثار حقوقی امزاهای الکترونیک، پایان نامه، کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق.
- ۳- امامی، سید حسن. (۱۳۷۹). حقوق مدنی، تهران، انتشارات اسلامی.
- ۴- سلطانی، محمد. (۱۳۸۴). ادله الکترونیکی اثبات دعوی، رساله کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه تهران.
- ۵- شمس، عبدالله. (۱۳۸۴). آیین دادرسی مدنی، انتشارات دراک.
- ۶- کاتوزیان، ناصر. اثبات و دلیل اثبات، تهران، نشر میزان.

در مقابل سند رسمی یا سندی که اعتبار آن در محکمه محرز شده است، ولو آنکه موضوع سند کمتر از پانصد ریال باشد، به شهادت قابل اثبات نیست.

بالآخره نظر به ماده ۱۳۲۴ قانون مذکور، امارات قضایی تنها در دعویایی که به شهادت قابل اثبات است یا زمانی که ادله ای دیگر را تکمیل می کند، قابل استناد است. به عبارت دیگر، در مقابل سند رسمی یا اسناد عادی در حکم سند رسمی، اماره قضایی قابل استناد نیست. حال باید دید تعارض بین دلایل الکترونیکی و دلایل سنتی چگونه قابل رفع خواهد بود؟ قانون نمونه انسیترال مصوب ۱۹۹۶ در بند ۲ از ماده ۹ خود بدون تفکیک بین امضای الکترونیکی مطمئن و ساده پیش بینی می کند که قدرت اثباتی داده های الکترونیکی با توجه به میزان اطمینان به روش ایجاد، نگهداری یا مبادله داده ها و همچنین با توجه به روش محافظت از تمامیت اطلاعات و نحوه شناسایی فرستنده پیام و سایر ملاحظات مرتبط سنجیده می شود. مقررات انسیترال در واقع با مقرر فوق، تعیین ارزش دلایل الکترونیکی در مقایسه با سایر دلایل را به قاضی سپرده است تا با در نظر گرفتن معیارهای بالا در این خصوص تصمیم گیری کند. این در حالی است که با توجه به نظام ادله قانونی که در حقوق ایران مورد پذیرش است، تعیین ارزش اثباتی ادله به قاضی واگذار نگردیده است.

اسناد الکترونیکی واجد قابلیت استناد می باشند و در حقوق ایران، ارزش اثباتی اینگونه اسناد بر اساس تفکیک مطمئن و غیر مطمئن متفاوت است. سؤالی که به ذهن متبادر می گردد این است که این گونه اسناد که به عنوان دلیل مورد استناد قرار می گیرند، در مقابل با سایر ادله در چه جایگاهی قرار خواهند گرفت؟ این که اسناد الکترونیکی در تقابل با سایر ادله الکترونیکی و سنتی در چه جایگاهی قرار می گیرند، پرسشی است که پاسخ آن طبق قوانین و مقررات مربوطه تعیین خواهد شد و دادرس در انتخاب دلیل برتر، مکلف است وفق قوانین و مقررات اقدام نماید و در این امر از آزادی عمل برخوردار نیست.

با توجه به آنکه در تعریف سند استفاده از جوهر و کاغذ موضوعیت ندارد بلکه به اقتضای هر دوره زمانی شیوه نگاشتن تغییر می یابد، با توجه به مباحث گفته شده، سند الکترونیکی نیز از اقسام اسناد موضوع ماده ۱۲۵۸ ق.م. است. در واقع آن ها ادله جدیدی نیستند، بلکه شکل جدیدی از اسناد هستند، بدین ترتیب اسناد الکترونیکی نیز همانند اسناد سنتی، واجد ارزش اثباتی هستند و وجه تمایز اسناد الکترونیکی نسبت به اسناد سنتی شکل آن ها است که بر خلاف اسناد سنتی که به رسمی و غیر رسمی تقسیم می گردند، به دو دسته مطمئن و غیر مطمئن قابل تقسیم هستند و ارزش اثباتی آنها نیز بر همین اساس سنجیده می شود. بدین صورت که اسناد الکترونیکی غیر مطمئن (عادی) دارای ارزش اثباتی برابر با اسناد سنتی و اسناد الکترونیکی مطمئن دارای ارزش اثباتی بالاتر از اسناد الکترونیکی غیر مطمئن و سنتی عادی و در عین حال پایین تر از اسناد رسمی است.



در طرف دیگر میدان، مرد ابتدائاً گواهی نشوز همسر خود را تهیه می‌کند تا خود را از دام اعطای نفقه برهاند. در گام تکنیکال بعدی، دادخواست عسر و حرج خود را با عنایت به حقوق کارمندی یا کارگری و امثالهم ارائه می‌کند تا مهریه همسر خود را به مبلغ شندرغاز ماهیانه تعدیل کند. (#پرداختی\_اقساطی\_بلندمدت\_بدون\_کارمزد)

\_ همچنین حاضر به طلاق دادن زوجه هم نیست تا امکان ازدواج مجدد، از همسر وی سلب گردد. (سادیسم أو أقل منه)



## مهریه یا خون جگر

### و اما نتیجه ماجرا:

- سیل پرونده‌ها و اعصاب خراب خیرالناس شعب خانواده (قضات‌الحق)
- بازار گرمی خادمان شریف مردم با اخذ هزینه‌های دادرسی و ...
- بازار گرمی فرشتگان یا به عبارتی بال‌های چپ عدالت (وکلائی معزز)
- بازار گرمی کارشناسان رسمی دادگستری، دفاتر ثبت اسناد، مشاورین حقوقی یا عریضه‌نویسان)
- بازار گرمی محققین و اساتید حقوق خانواده، ناشران حقوقی و دانشجویان جزوه‌نویس
- خودداری از ازدواج رسمی توسط جوانان ملت
- گسترش ازدواج‌های سفید، زرد و صورتی بعضاً گل‌گلی
- تولید طفل‌های معصوم بی‌هویت (بازار گرمی بهزیستی)
- اعتیاد مردان و بی‌سرپرستی زنان (بازار گرمی کمیته امداد و کمپ‌های ترک اعتیاد)
- و نهایتاً بازار گرمی ضابطان قضایی و دوایر اجرای احکام (خصوصاً دایره پیاده‌سازی شلاق تعزیری و حدی، رجم و اعدام)

پی‌نوشت: در پایان گفتنی است که دولت خدمتگزار، تعداد زیادی از هموطنانمان را، با اعمال تمام سهمیه‌های موجود، برای رفع این حوائج استخدام می‌نماید.



### مهدی آب سالان

دانشجوی کارشناسی علوم قضایی و خدمات اداری

مطابق سنت ملل خاورمیانه‌ای، سابقاً در قبال به‌نکاح‌درآوردن دختران رعیت و ازاله بکارت که از قدیم الایام خصوصاً برای ملل عربی یک سنت احلی من العسل است؛ خر و گاو و بز و گوسفند و بعضاً قباله زمین یا ملک به خانواده دختر اهدامی کردند. ملاک ارزش‌گذاری دختران هم زیبایی، شأن خانوادگی (تیره، طایفه، نژاد)، کارایی (توانایی ریسندگی و بافندگی)، قابلیت فرزندآوری (خصوصاً فرزند ذکور) و البته توانایی کشاورزی یا دامداری بود. پیامد این سنت، به ملکیت درآمدن دختر اولاً نسبت به همسر خود و در درجه بعدی خانواده وی (وارثان اقرب) بود. عقد نکاح بیش از آنکه پیمانی اخلاقی باشد؛ عقدی حقوقی، تملیکی، غالباً معاوضی و تشریفاتی است، حق طلاق اصولاً با مرد است و وظیفه زن تمکین است عامتاً و خاصتاً.

و اما در قرن ۲۱ و تقابل سنت و مدرنیته، در کلان‌شهری همچون تهران نیمی از ازدواج‌ها به طلاق می‌انجامد خصوصاً در ابتدای شروع زندگی زوجین. اهرم فشار و ابزار گروکشی زن و مرد همچون خروسایان شاطر به جنگ در دادگستری محل اقامت زوجین و بعضاً دادگستری محل اقامت خوانده، پیاده‌سازی می‌شود.

از یک طرف زوجه به جای مطالبه خر و گاو و بز و قاطر، اصولاً ۱۱۴ سکه تمام بهار آزادی منقش به تصویر مبارک رهبران سیاسی و بعضاً به شمار اعداد چهار رقمی او اقربهم، به علاوه نفقه مطالبه می‌کند.



خود را برای گرفتن رای اعتماد، به مجلس شورای اسلامی معرفی نماید و نمایندگان مجلس با توجه به مسئولیت خطیر امر وزارت، باید اهمیتی جدی در سنجش وزرای پیشنهادی بکار گیرند؛ زیرا هر یک از وزیران به سهم خود، نقش بسزایی در استحکام و یا تزلزل نظام سیاسی و آینده کشور برعهده دارند و یکی از وظایف مهم مجلس شورای اسلامی بعد از قانون گذاری، امر نظارت است که انواع مختلفی دارد، از قبیل: نظارت تاسیسی و نظارت اطلاعی (مانند سوال و استیضاح وزرا) و مواردی از این دست که ما در

طبق اصل ۱۱۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، رئیس جمهور برای مدت ۴ سال با رای مستقیم مردم انتخاب می شود و یکی از وظایف اولیه هر رئیس جمهور، مطابق اصول قانون اساسی این است که باید قبل از هرگونه اقدامی ابتدا وزیران خود را برای گرفتن رای اعتماد، به مجلس شورای اسلامی معرفی نماید و نمایندگان مجلس با توجه به مسئولیت خطیر امر وزارت، باید اهمیتی جدی در سنجش وزرای پیشنهادی بکار گیرند؛ زیرا هر یک از وزیران به سهم خود، نقش بسزایی در استحکام و یا تزلزل نظام سیاسی و آینده کشور برعهده دارند و یکی از وظایف مهم مجلس شورای اسلامی بعد از قانون گذاری، امر نظارت است که انواع مختلفی دارد، از قبیل: نظارت تاسیسی و نظارت اطلاعی (مانند سوال و استیضاح وزرا) و مواردی از این دست که ما در این یادداشت به نظارت تاسیسی مجلس که همان نظارت بر تشکیل دولت است می پردازیم. در ابتدا به نظام های حکومتی کشورهای دیگر و سپس به نظام حاکم بر قوای جمهوری اسلامی ایران پرداخته می شود.

### ● نظام های ریاستی

در رژیم های ریاستی همچون کشور آمریکا، قوه مجریه تک رکنی و رئیس جمهور با رای مردم انتخاب می شود و وزیران همگی از سوی شخص رئیس جمهور تعیین و منصوب می شوند. (البته با تایید مجلس سنا که ریاست آن برعهده معاون اول رئیس جمهور است). رئیس جمهور و وزرا هیچ گونه مسئولیتی در مقابل مجلسین ندارند و نمایندگان نمی توانند وزرا را استیضاح یا با رای عدم اعتماد برکنار کنند.

### ● نظام های پارلمانی

در رژیم های پارلمانی همچون کشور بریتانیا، قوه مجریه دو رکنی است: ۱. ریاست کشور (ملکه) ۲. ریاست هیات دولت



## سهم خواهی در انتخاب وزرا، مشکل جایی است که هیچ قانونی برای انتخاب وزیران نداریم.



### مهدی رستمی

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق دادرسی اداری

\*این یادداشت فارغ از جریان و شخص منتخب ریاست جمهوری است و هدف آن، تشریح چگونگی روند تعیین وزیران و گرفتن رای اعتماد از مجلس می باشد.

آیا تعیین وزرا و رای اعتماد به ایشان، پاسخی به سهم خواهی و انتخاب بر اساس روابط است یا انتخابی ضابطه مند و قانونی است؟ با روی کار آمدن شخص رئیس جمهور، شایعات حاکی از سهم خواهی افراد ریز و درشتی است که به نحوی حتی با گذاشتن یک پست یا توثیت، خود را مدعی صندلی در دولت حاضر می دانند. کار به جایی رسیده است که نمایندگان که روزی سوگند به دفاع از حقوق ملت یاد می کردند، به یکباره طمع پست و جایگاه بالاتر آنها را به سهم خواهی واداشته است. آیا قانونی وجود دارد که شرایط لازمه تصدی وزرات را بیان کند تا شایسته سالاری قربانی روابط نشود؟

اعمال نفوذ و فشار افراد مختلف بر رئیس جمهور، برای جای دادن وزیر پیشنهادی خود در کابینه دولت، لابی وزرای پیشنهادی با نمایندگان برای گرفتن رای اعتماد و نیز طمع نمایندگان با رای اعتماد بی هیچ گونه شایستگی حقیقی، به وزرای پیشنهادی برای دستیابی به منافع خود در دولت آینده، از جمله نقودی است که می توان به شیوه کنونی تعیین و نصب وزرا وارد دانست.

طبق اصل ۱۱۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، رئیس جمهور برای مدت ۴ سال با رای مستقیم مردم انتخاب می شود و یکی از وظایف اولیه هر رئیس جمهور، مطابق اصول قانون اساسی این است که باید قبل از هرگونه اقدامی ابتدا وزیران



(نخست وزیر)

امور کشور در بخش‌های گوناگون و انجام وظایف محوله یاری دهند که شامل معاون اول و سایر معاونین و مشاورین و وزرا است که اصلی‌ترین همکاران رئیس‌جمهور محسوب می‌شوند.

رئیس‌جمهور ظرف دو هفته پس از انجام مراسم تحلیف و یا بعد از استعفاء یا سقوط دولت، موظف است کتباً اسامی هیات وزیران را به همراه شرح حال هر یک از وزیران و برنامه دولت تقدیم مجلس کند. رئیس‌مجلس مکلف است در اولین فرصت در جلسه علنی، وصول معرفی‌نامه وزیران را اعلام و پس از قرائت، دستور تکثیر آن را صادر نماید. قبل از تشکیل اولین جلسه بررسی برنامه‌های دولت و اخذ رای اعتماد به هیات وزیران، نمایندگان موافق و مخالف برنامه دولت، خط مشی و اصول کلی و ترکیب هیات وزیران ثبت نام می‌نمایند. در شروع بحث در مورد هیات وزیران، رئیس‌جمهور برنامه دولت را تشریح و ضمن معرفی وزیران از ترکیب هیات وزیران دفاع می‌کند. پس از دفاع رئیس‌جمهور از برنامه‌هایش، وزیران پیشنهادی هر یک از وزارتخانه‌ها بر اساس حروف الفبای وزارتخانه‌ها، از برنامه‌های خود دفاع می‌کنند. پس از آن مجلس، بررسی برنامه دولت و ترکیب هیات وزیران را با اظهارات نمایندگان مخالف و نمایندگان موافق، با حفظ ترکیب یک تن مخالف و یک تن موافق و هر کدام برای مدت پانزده دقیقه انجام خواهند داد. برای هر یک از وزیران پیشنهادی دو مخالف و دو موافق هر کدام به مدت پانزده دقیقه سخنرانی می‌کنند و وزیر پیشنهادی سی دقیقه فرصت دارد از برنامه‌هایش دفاع کند. البته رئیس‌جمهور می‌تواند به جای وزیر پیشنهادی از برنامه‌های وی دفاع نماید.

رئیس‌جمهور یا کسانی که او تعیین نموده به سوالات و اظهارات مخالفان پاسخ می‌دهند. مدت نطق اولیه رئیس‌جمهور و دفاع اخیر دو و نیم ساعت است. در پی اظهارات رئیس‌جمهور، مجلس شور در مورد برنامه‌ها و صلاحیت هر یک از وزیران را به صورت جداگانه آغاز خواهد کرد.

به این ترتیب، ظاهراً رای اعتماد به وزیران با در نظر گرفتن قابلیت‌های فردی (برای تصدی وزارت) و جمعی (برای عضویت در هیات وزیران) صورت می‌گیرد. ممکن است در جریان رای‌گیری برای تشکیل دولت، وزرا رای اعتماد مجلس را کسب نکنند که در این صورت رئیس‌جمهور موظف است با رعایت اصل ۱۳۵ قانون اساسی حداکثر قبل از سه ماه، فرد یا افراد دیگری را برای اخذ رای به مجلس معرفی نماید.

با وجود نبود قانونی مدون برای احراز صلاحیت وزیران و تخطی عده‌ای از نمایندگان از وظایف قانونی خود، امید است که با روی کار آمدن دولت جدید که با شعار دولتی مردمی در جهت خدمت صادقانه قدم بر داشته‌است و مجلس شورای اسلامی که عنوان دار مجلس انقلابی می‌باشد وزرای شایسته و توانمند در جهت اعتلای کشور و حل مشکلات مردم انتخاب شوند.

نخست‌وزیر از بین رهبر حزبی که دارنده اکثریت پارلمانی مجلس عوام است، توسط ملکه منصوب می‌شود. گزینش وزیران برعهده نخست‌وزیر است و در صورت موافقت ضمنی پارلمان، عمل حقوقی انتصاب وزرا توسط ملکه صورت می‌گیرد. (وزیران از بین اعضای مجلس عوام انتخاب می‌شوند). نخست‌وزیر و وزیران در مقابل مجلسین مسئولیت دارند و مجالس مقننه می‌توانند از راه پرسش یا استیضاح، اعمال هیات دولت را کنترل کنند و در صورت عدم رضایت، با صدور رای عدم اعتماد آن‌ها را ساقط نمایند.

### ● نظام‌های نیمه‌ریاستی یا نیمه‌پارلمانی

قوة مجریه در جمهوری اسلامی ایران، پس از مقام معظم رهبری، نظامی نیمه‌ریاستی یا نیمه‌پارلمانی دارد؛ به این معنا که ریاست‌جمهور با رای مردم انتخاب می‌شود و مجلس نقشی در تعیین آن ندارد اما هیات وزیران با پیشنهاد رئیس‌جمهور و رای اعتماد مجلس رسمیت می‌یابد.

### شرایط تصدی وزارت

با وجود خطری بودن امر وزارت و نقش موثر وزیران در اداره کشور، هیچ قانون مدونی برای احراز شرایط تصدی پست وزارت وجود ندارد و تنها ماده ۹۸۲ قانون مدنی تابعیت اصلی ایران را برای تصدی وزارت، ضروری می‌شمرد. این خود ضعفی بزرگ برای احراز شرایط تصدی مقام وزیر است که دست اعمال سلاقی شخصی چه از طرف رئیس‌جمهور و چه نمایندگان مجلس را باز گذاشته‌است. خب مشخص شد علت سهم‌خواهی که اخبار آن به گوش می‌رسد از نبود قانونی مدونی این است که موجبات آن را فراهم می‌کند تا هر شخصی امکان تصدی پست وزارت را دارا باشد و راه را برای اعمال نفوذ در انتخاب وزرا باز می‌گذارد!

### تعیین وزیر

اصل ۱۳۳ ق.ا. مقرر می‌دارد: «وزرا توسط رئیس‌جمهور تعیین و برای گرفتن رای اعتماد به مجلس معرفی می‌شوند.» اصل مزبور نشان‌دهنده موقعیت ویژه وزیر، در صحنه سیاسی کشور می‌باشد. ریاست‌جمهور به عنوان منتخب مردم و مجلس شورای اسلامی متشکل از نمایندگان منتخب مردم، در اقدام مشترکی برای تعیین هر یک از وزرا حاکمیت ملی را اعمال می‌کنند؛ به عبارتی در جمهوری اسلامی ایران وزرا مع‌الواسطه نمایندگان مردم در قوة مجریه تلقی می‌شوند و قانون اساسی همواره بر این امر تأکید دارد.

رای اعتماد: رای اعتماد رایی است که نمایندگان مجلس به برنامه دولت و هیات وزیران در ابتدای تشکیل کابینه و یا پس استیضاح می‌دهند. گفته می‌شود همواره اصل بر اعتماد است مگر خلافش ثابت شود.

### رای اعتماد به هیات وزیران

با عنایت به قانون اساسی و آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی، رئیس‌جمهور که از کانال رای مردم روی کار آمده، برای تشکیل دولت نیازمند همکاری است که وی را در اداره



نگهبان تمامی شرایط لازم رئیس جمهور را از قبل بررسی و تایید کرده است، مجدداً باید به تایید رهبری برسد؟

کشور بر پایه اسلام پایه گذاری شده است و در راس آن ولی فقیه، به عنوان رهبر انتخاب می شود. ایشان رئیس سیاسی و نظامی کشور اسلامی هستند که در جامعه اسلامی والاترین جایگاه را دارا می باشند. با وجود اینکه



## تحلیف رئیس جمهور حتی با وجود رای مردم نگاهی از دریچه حقوق و زبان شناسی به مقوله تحلیف و تنفیذ

قوای حکومتی نظیر قوه قضائیه، مجریه و مقننه در حوزه اختیارات خود مختارند لیکن باید بین قوای حکومت هماهنگی و اتحاد وجود داشته باشد.

از آنجایی که نظارت بر روابط قوا و حل و فصل اختلافات بین قوا یکی از مهم ترین وظایف رهبری است، بنابراین با در نظر گرفتن جایگاه عالی ایشان به عنوان رئیس کل نظام و کشور، نصب رئیس قوه قضائیه و تایید حکم رئیس منتخب جمهور از وظایف ایشان است و تنفیذ حکم ریاست جمهوری در تعارض با اصل یکصد و چهاردهم قانون اساسی مبنی بر اینکه رئیس جمهور مستقیماً باید توسط مردم انتخاب شود، نیست؛ چرا که تنفیذ از سوی مقام رهبری، قبول یا رد انتخاب مردم نیست بلکه تایید منتخب مردم از لحاظ دینی و سیاسی است که در کنار امور اجرایی وجود آن ضروری است؛ لذا تنفیذ رئیس قوه مجریه از سوی مقام رهبری، مشروعیت بخشیدن و به نوعی حمایت از لحاظ دینی و سیاسی است که انتظار می رود رئیس جمهور بدین اصول پایبند باشد تا نظم و یک رنگی بین قوای حکومتی و ولایت برقرار گردد؛ چرا که طبق اصل یکصد و سیزدهم ق.ا. عالی ترین مقام رسمی کشور پس از مقام رهبری، رئیس جمهور می باشد.



مهران نقیان

دانشجوی کارشناسی دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری

در زبان عربی واژه حلف به معنای پیمان است. پیمانی که ملازم انجام یک کار باشد و واژه حلیف، به معنای هم پیمان شدن برای انجام کار و یا رعایت ملازماتی است که شخص برای انجام کاری باید آنها را بجای آورد. تحلیف واژه عربی و از همین ریشه است که معادل معنای آن در زبان پارسی؛ سوگند یاد کردن و پیمان و گواهی است همچنین معنای قسم و شهادت بر انجام امر و ملازمات آن را نیز می دهد.

پس از آنکه انتخابات ریاست جمهوری برگزار شد و منتخب مردم مشخص گردید؛ حکم وی طبق بند ۹ اصل ۱۱۰ قانون اساسی باید از سوی رهبر معظم تنفیذ شود؛ «امضا حکم ریاست جمهوری پس از انتخاب مردم. صلاحیت داوطلبان ریاست جمهوری از جهت دارا بودن شرایطی که در این قانون می آید، باید قبل از انتخابات به تایید شورای نگهبان و در دوره اول به تایید رهبری برسد.»

امام خمینی (ره): «تنفیذ رئیس جمهور تا زمانی است که عمل بر طبق موازین اسلام باشد. امضای ولی فقیه به نتیجه انتخابات مردم مشروعیت می بخشد.» اما سوال ما این است که چرا با وجود اینکه شورای



سوال دیگر ما این است که تحلیف رئیس جمهور با توجه به سوگندنامه، همچون ضمانت است یا اذعان به وظایف و اعمال و صفاتی که از رئیس جمهور انتظار می‌رود؟

می‌توان تحلیف رئیس جمهور را به نوعی قبول وظایف اساسی در محضر روسای کشور و نمایندگان مردم دانست چنانکه رهبر معظم انقلاب سید علی خامنه‌ای در مراسم تحلیف خود که در مهرماه ۱۳۶۰ برگزار شد فرمودند: «امروز این مراسم برای برادر مخلص شما از این جهت هیجان‌انگیز است که در حقیقت بر زبان آوردن و تصریح کردن به چیزی است که به طور طبیعی با کاندیدا شدن برای ریاست جمهوری و با قبول این مسئولیت بر دوش او وجود داشته‌است و سنگینی می‌کرده‌است. حفظ خطوط اصلی این انقلاب، به عهده رئیس جمهور است.

مسئولیت مجلس نسبت به دولت، ارشاد و هدایت است. دوره‌ای بر این جمهوری گذشته که رئیس جمهور تصور می‌کرده‌است ریاست جمهوری یعنی سلطنت و اگر مجلس به دولت کمک نکند، رئیس جمهور در انجام وظایفی که سوگند می‌خورد، ناتوان خواهد بود.»

تاکنون سیزده دوره انتخابات ریاست جمهوری برگزار شده است و آقای سید ابراهیم رئیسی به عنوان هشتمین رئیس جمهور ایران مشغول به کار شده‌است. مراسم تحلیف آقای رئیسی چهاردهم مرداد ماه امسال، در صحن مجلس برگزار گردید.

بنابراین تنفیذ رئیس جمهور از سوی رهبر به نوعی مهر مشروعیت‌زدن بر اعمال و حکم منتخب جدید مردم برای ریاست قوه مجریه است. پس از تنفیذ حکم ریاست جمهوری جدید توسط رهبر، مراسم تحلیف انجام می‌گردد. مستند تحلیف رئیس جمهور اصل یکصد و بیست و یکم قانون اساسی است: «رئیس جمهور در مجلس شورای اسلامی در جلسه‌ای که با حضور رئیس قوه قضائیه و اعضای شورای نگهبان تشکیل می‌شود به ترتیب زیر سوگند یاد می‌کند و سوگندنامه ذیل را امضا می‌نماید.»

بسم الله الرحمن الرحيم

«من به عنوان رئیس جمهور در پیشگاه قرآن کریم و در برابر ملت ایران به خداوند قادر متعال سوگند یاد می‌کنم که پاسدار مذهب رسمی و نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی کشور باشم و همه استعداد و صلاحیت خویش را در راه ایفای مسئولیت‌هایی که بر عهده گرفته‌ام به کار گیرم و خود را وقف خدمت به مردم و اعتلای کشور، ترویج دین و اخلاق، پشتیبانی از حق و گسترش عدالت سازم و از هر گونه خودکامگی پرهیزم و از آزادی و حرمت اشخاص و حقوقی که قانون اساسی برای ملت شناخته‌است حمایت کنم. در حراست از مرزها و استقلال سیاسی و اقتصادی و فرهنگی کشور از هیچ اقدامی دریغ نورزم و با استعانت از خداوند و پیروی از پیامبر اسلام و ائمه اطهار (علیهم السلام) قدرتی را که ملت به عنوان امانتی مقدس به من سپرده است همچون امینی پارسا و فداکار نگاهدار باشم و آن را به منتخب ملت پس از خود بسپارم.»